



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس صبح روز پنجشنبه (۱۷) اسفند ماه ۱۳۴۶

بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور .

فهرست مطالب :

۳ - تصویب صورت جلسه .

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

۴ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه .

۲ - طرح گزارش کمیسیون بودجه راجع به

مجلس در ساعت نهم و پنج دقیقه صبح بریاست آقای مهندس حیدر علی ارفع (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

غائبین مریض - آقایان :

دکتر امین - بختیار بختیارها - ارسنجانی -

نایب رئیس - با اجازه خانم ها و آقایان اسامی

صائبی - دکتر عدل طباطبائی - فولادوند - قاضی زاده .

غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

غائبین در رای - آقایان :

(شرح زیر خوانده شد)

پرویزی - دکتر ناصر بهبودی - رامبد - فروتن

غائبین با اجازه - آقایان :

۲ - طرح گزارش کمیسیون بودجه راجع به

دکتر رضوانی - محمدولی قراچورلو - لطف الله حی -

بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور

رضازاده - تهرانی - دکتر سعید - کاسمی - تیمسار

نایب رئیس - وارد دستور میشود لایحه بودجه

جلیلیان - دکتر متین - مهندس سهم الدینی - پور بابائی -

سال ۱۳۴۷ کشور مطرح است ، قرائت میشود .

دکتر نجیمی - پاینده - مهرزاد - شیخ بهائی - مافی -

(شرح زیر خوانده شد)

فری - دکتر رشتی - دکتر رهنوردی - فیاض - دکتر

بوقی - دکتر فریود .

گزارش از کمیسیون بودجه بمجلس شورای ملی

غائب بی اجازه - آقای :

ساحت مقدس مجلس شورای ملی

کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی در جلسات

مهندس اربابی

عزیده با حضور جناب آقای نخست وزیر و آقای دکتر کاظم زاده معاون نخست وزیر و رئیس دفتر بودجه و آقایان وزراء و معاونین و پارلمانی وزارتخانه ها و کارشناسان مربوط لایحه بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور را مورد رسیدگی فرار داد و با انجام اصلاحاتی که در این گزارش و ضمیمه پیوست تشریح و نشان داده شده است آنرا تصویب نمود، و اینک که گزینش کار کمیسیون بودجه بمنظور رسیدگی و تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میگردد اجازه میخواهد توجه مجلس محترم را به ملاحظاتی چند در باره بودجه تقدیمی معطوف دارد.

نمایش دولت طی سه سال گذشته در تهیه و تدوین بودجه کل مملکتی بر اساس پیشرفته ترین طرق علمی به این نتیجه رسیده است که بودجه هر سال نسبت سال ماقبل بصورت کاملتر و بهتری تدوین و تقدیم مجلس گردد و با اتمام امکانات بیشتری در جهت بررسی نمایندگان محترم که ناظر بر دخل و خرج مملکت میباشد فراهم آید و ضائعی که پیوست لایحه بودجه تقدیم نمایندگان محترم گردیده بهترین شاهد این مدعا است که دولت ناچاره یاره در تأمین این منظور که همواره مورد عنایت مبعوثان ملت بوده و هست توفیق حاصل نموده و نه تنها با تقدیم این ضمایم که به بالمره تکامل یافته راهنمای مناسبی برای استحضار نمایندگان محترم از کیفیت بودجه سال جاری در اختیار میگذازد بلکه هر ساله کوشش کرده است که شکل بودجه نیز تکامل بیشتری حاصل نماید.

و بطور نمونه توفیقی را که در این زمینه در بودجه تقدیمی بدست آمده است بطور خلاصه بشرح زیر به استحضار میرساند:

۱ - تغییرات حاصل در قسمت ششم به این منظور صورت گرفته تا در محاسبات درآمد ملی و تهیه آمارهای لازم تسهیلات بیشتری بعمل آید.

۲ - عناوین مندرج در بخشهای چهار گانه هزینه با توجه به طبقه بندی پیش بینی شده در برنامه های عمرانی اصلاح گردیده است.

۳ - برای مزید استحضار نمایندگان محترم از

نحوه مصرف اعتبار طرح های مستمر عمرانی که در بودجه عادی منظور و اعتبار آن یکجا از محل عوائد برنامه در جدول تلفیقی پیش بینی شده است فصلی تحت عنوان قسمت نهم اضافه شده است که ضمن آن مصارف اعتبار مذکور را بیان میدارد.

۴ - از جمله مواردی که همواره مورد توجه نمایندگان محترم قرار میگرفت و اجرای آن بدون توصیه میگردد حذف درآمد های اختصاصی و ادغام کلیه درآمدها از منابع مختلف در درآمد عمومی بوده است با مطالعه بودجه های تقدیمی دولت در سه سال گذشته توجه حاصل خواهند فرمود که تدوین کنندگان بودجه در بادی امر با تفکیک درآمد های اختصاصی زیر عنوان «الف» و «ب» وجه تمایزی بر اساس مقررات مربوط بین این گونه درآمدها قائل گردیده اند و بتدریج توانسته اند در سال ۱۳۴۷ درآمدهای اختصاصی «الف» را کلاً جز درآمدهای عمومی مستحیل سازند و با حکومت مفاد تبصره ۸ بودجه سال ۱۳۴۷ از این پس هیچگونه درآمد اختصاصی از شمول بودجه مملکتی خارج نگشته و از دید نمایندگان محترم پوشیده نخواهد ماند.

هدف دولت در تنظیم بودجه تقدیمی در گزارش جناب آقای نخست وزیر به تفصیل آمده است و با ملاحظه تقسیم و تخصیص اعتبارات بر اساس اهداف برنامه عمرانی چهارم که قطعاً مورد بررسی نمایندگان محترم قرار گرفته و با توجه بتابعی که از اجرای بودجه سال ۱۳۴۶ بدست آمده دولت امیدوار است که با اجرای بودجه سال ۱۳۴۷ و همکاری و ارشاد نمایندگان محترم با منتظارات پیش بینی شده نائل گردد و وثیقه این امیدواری و اطمینان موفقیتناهی است که در سال جاری با تحصیل درآمد بیشتر و حفظ موازنه ارزی و توسعه سریع اقتصادی توأم با ثبات نسبی قیمت ها و تحکیم موقعیت ریال در قبال ارزهای خارجی که خود مؤید یک سیاست اقتصادی سالم است نصیب دولت گردیده است.

درآمدها:

جمع کل درآمد دولت و مؤسسات وابسته و همچنین

سازمانهای انتفاعی و بازرگانی و عام المنفعه که در اجرای برنامه های دولت همکاری دارند در بودجه تقدیمی با اصلاحاتی که بعمل آمد بالغ بر دو بیست و هفتاد و چهار میلیارد ریال و پانصد و هفتاد و نه میلیارد ریال پیش بینی شده که بدو قسمت عادی و برنامه های تقسیم میگردد:

الف - درآمدهای عادی معادل بودجه نود و نه میلیارد و هفتصد و هشت میلیون ریال پیش بینی گردیده و این درآمد در جدول تلفیقی بدو قسمت عمومی و اختصاصی نمایانده شده است که مبلغ نه میلیارد و چهارصد و بیست و دو میلیون ریال آن درآمدهای اختصاصی است.

درآمدهای عادی کشور از منابع پنجگانه زیر تأمین میگردد:

بخش اول - مالیاتهای مستقیم.

بخش دوم - مالیاتهای غیر مستقیم.

بخش سوم - درآمدهای حاصله از انحصارات و اعمال تصدی دولت.

بخش چهارم - درآمد حاصله از خدمات دولت.

بخش پنجم - سایر منابع تأمین اعتبار.

که با مقایسه با پیش بینی منابع مذکور در سال ۱۳۴۶ افزایش قابل توجهی یافته است که منطقیاً بر اساس مرافقت بیشتر در امر وصول و افزایش درآمد عمومی و رشد اقتصادی و بالا رفتن قدرت خرید و استفاده بیشتر از منابع طبیعی مملکت تأمین خواهد گردید. و بدیهی است بتدریج که اثرات اجرای برنامه های توسعه اقتصادی ظاهر و ساختمان اقتصادی و اجتماعی مملکت دوره تکامل را طی و بحرمله کمال برسد بموجب موازین علمی اقتصادی تناسب درآمد از منابع مالیاتهای مستقیم نسبت به مالیاتهای غیر مستقیم افزایش بیشتری حاصل خواهد نمود. و ماخذ نعلق مالیات که در شرایط اقتصادی فعلی محدود میباشد بر اثر بالا رفتن درآمد سرانه که ما حاصل افزایش سرمایه گذاری در شئون مختلف اجتماعی و اقتصادی کشور است و نسبت یافته و تعداد بیشتری از افراد مملکت را در شمول پرداخت مالیات مستقیم قرار خواهد داد. افزایش دریافتی های منظور در بخش پنجم که

معطوف به سایر منابع اعتبار است نه تنها در اجرای بند ۶ تبصره ۳۳ بودجه سال ۱۳۴۶ به مردم وطن ما اجازه خواهد داد تا در مجاهدات دولت برای حفظ امنیت کشور شرکت نمایند بلکه موجب آن خواهد گردید تا دارندگان سرمایه های کوچک با دریافت بهره متناسب موفق گردند از پس اندازهای خویش استفاده نمایند.

ب - درآمد برنامه

درآمد برنامه در بودجه تقدیمی معادل نود و نه میلیارد و هشتصد و بیست میلیون ریال پیش بینی گردیده که مبلغ پنجاه میلیارد و پانصد میلیون ریال آن از محل سهم سازمان برنامه بر اساس ۸۰٪ درآمد نفت و پانزده میلیارد و پانصد میلیون ریال آن از منابع داخلی و معادل سی و سه میلیارد و یکصد و بیست میلیون ریال از محل وام های خارجی و بقیه از درآمد های متفرقه تأمین میگردد. از رقم مذکور معادل ده میلیارد و هفتاد و پنج میلیون ریال بابت اعتبار طرح های مستمر عمرانی پیش بینی شده که تفصیل آن فوقاً به استحضار رسید و با مطالعه جدول قسمت نهم که مصارف اعتبار مذکور را به جز بیان کرده است توجه حاصل خواهند فرمود که این مبلغ اعتبار در راه افزایش توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور

بصرف میرسد و در حقیقت باستی در زمره اعتبارات عمرانی کشور منظور نظر قرار گیرد و با قبول این واقعیت که بالا رفتن درآمد سرانه رابطه مستقیمی با سطح سرمایه گذاری در طرح های عمرانی خواهد داشت دولت امیدوار است با این افزایش مستمر که در میزان این قبیل سرمایه گذاری ها معمول میدارد آنگه رشد اقتصادی با اجرای بودجه تقدیمی تسریع نماید.

ج - در بودجه تقدیمی همچنین مبلغی معادل هشتاد و پنج میلیارد و یکصد و بیست و هفت میلیون ریال بعنوان پیش بینی درآمدهای مؤسسات انتفاعی و بازرگانی و عام المنفعه گنجانده شده است که شرح آن در جداول مربوط منعکس میباشد.

هزینه

جمع کل هزینه های دولت شامل هزینه های وزارتخانه ها - مؤسسات دولتی - بازرگانی و انتفاعی

وابسته بدولت و همچنین مؤسسات عام المنفعه معادل دو بیست و هفتاد و چهار میلیارد و پانصد و هفتاد و نه میلیون ریال پیش بینی شده است که توضیح آن شرح زیر میباشد:

الف - هزینه های از محل درآمد عمومی در سال ۱۳۴۷ بالغ بر نوادمیلیارد و دو بیست و هشتاد و پنج میلیون ریال پیش بینی شده که موارد مصرف آن در بخشهای پنجگانه:

- بخش اول - امور عمومی
- بخش دوم - امور دفاعی
- بخش سوم - امور اجتماعی
- بخش چهارم - امور اقتصادی
- بخش پنجم - دیون و تعهدات متفرقه

به تفصیل آمده است. هزینه های هر یک از بخشهای پنجگانه بر حسب وظیفه و برنامه و بر حسب مواد هزینه هر دستگاه بوضوح نشان داده شده است و نباید انکار کرد که تنظیم بودجه هزینه بر این اساس بهترین راهنما برای اطلاع از نحوه تخصیص اعتبارات که در عین حال بیان کننده اهداف اجرای بودجه و نشان دهنده اولویت های مورد نظر است میباشد و بدین ترتیب نمایندگان محترم به هولت از نحوه مصرف عوائد مملکت و اینکه این عوائد بجه نسبت صرف سرمایه گذاری و پرداخت هزینه های جاری میشود و قوف کامل یافته و از چگونگی توزیع اعتبارات کشور بین وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و تکالیفی که برای اجرای برنامه ها بر عهده هر یک از این دستگاه ها محول شده آگاهی حاصل مینمایند و این اطلاعات است که میتواند راهنمای نمایندگان محترم در ارشاد دولت و تقدیم بودجه تقدیمی قرار گیرد.

ب - مبلغی معادل نه میلیارد و چهارصد و بیست و سه میلیون ریال از محل درآمدهای اختصاصی پیش بینی شده است که طبق مقررات مربوط بمصرف برسد. در جداول ضمیمه بودجه تفکیک محل مصرف هر یک از این اعتبارات مشخص گردیده است.

ج - در بودجه تقدیمی معادل هشتاد و نه میلیارد و هفتصد و چهل و پنج میلیون ریال از محل درآمد برنامه منظور

گردیده که در سال ۱۳۴۷ بمصرف اجرائی طرحهای عمرانی برنامه چهارم خواهد رسید نحوه توزیع اعتبارات عمرانی در بخشهای مختلف هزینه بشرحیکه فوقاً مذکور افتاد مشخص گردیده است.

د - مبلغ هشتاد و پنج میلیارد و یکصد و بیست و هفت میلیون ریال بابت هزینه دستگاههای انتفاعی و مؤسسات بازرگانی و عام المنفعه پیش بینی شده که در جدول تلفیقی و جداول مربوط توضیحات لازم به استحضار نمایندگان محترم رسیده است.

کوشش دولت در تأمین نظرات نمایندگان محترم مبنی بر اتخاذ سیاست مالی که از هماهنگی کامل برخوردار باشد معطوف به این مهم بوده است که بودجه های تقدیمی حتی المقدور متعادل باشند در بودجه تقدیمی سال ۱۳۴۷ دولت قبول کرده است باصرفه جوئی معادل یک میلیارد و نهصد و شصت و هشت میلیون ریال معادل بودجه را محفوظ نگاهدارد و چون عین این تدبیر در سال ۱۳۴۶ نه تنها در حد مبلغ مورد تعهد بلکه با تخصیص مبالغی قابل توجه افزایش درآمد با موفقیت اعمال گردیده است امید می رود که در سال ۱۳۴۷ نیز این توفیق با همین تناسب نصیب گردد.

تبصره های بودجه :

لایحه بودجه سال ۱۳۴۷ تقدیمی از طرف دولت شامل ۲۵ تبصره بود که چون ۱۲ تبصره آن مستقیماً از تالیفی با اجرای بودجه سال نداشت بموجب آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی و بر حسب تقاضای دولت و رعایت آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی و تصویب مقام ریاست ضمن لایحه متمم بودجه سال ۱۳۴۶ مورد رسیدگی و با اصلاحاتی بتصویب مجلس محترم رسید و نسبت به ۱۳ تبصره باقیمانده بشرح زیر اتخاذ تصمیم بعمل آمد:

الف - تبصره های شماره ۱۷ و ۲۳ لایحه بودجه سال ۱۳۴۷ تقدیمی دولت حذف گردید.

ب - تبصره باقیمانده با اصلاحاتی مورد تصویب کمیسیون قرار گرفت.

بهنگام طرح لایحه بودجه در کمیسیون سه تبصره

از طرف دولت تقدیم گردید که از طرف مقام ریاست برای رسیدگی بکمیسیون ارجاع شد این تبصره ها با اصلاحاتی به شماره های ۱۰-۱۱ و ۱۴ لایحه پیوست این گزارش به تصویب رسیدند.

اینکه که با اغتنام فرصت و تا حد میسر کوشش بعمل آمد که تحلیلی مختصری از بودجه تقدیمی به استحضار نمایندگان محترم برسد لازم میدانم توجه دولت را با الهام از نظرانی که در کمیسیون ابراز شده است به دو نکته زیر معطوف دارد:

۱- با توجه به افزایشی که در حجم کلی اعتبارات بوجود آمده و مبین علاقمندی دولت نسبت به افزایش میزان سرمایه گذاری در بخشهای مختلف است تا از آن طریق سطح درآمد مالی بالا برده و بالتبصره درآمد سرانه نیز افزایش یابد تدابیری اتخاذ گردد که در عین وصول به این هدف عالی از هر گونه شائبه فشار تورمی پیش گیری شود.

تدبیر دولت در سنوات گذشته و توانائی حفظ نسبی ثبات قیمت ها علیرغم افزایش سریع رشد اقتصادی در بجه طبیعی است که دولت در اجرای این نظر مایند گذشته توفیق حاصل خواهد نمود.

۲- با توجه به سیاست اقتصادی دولت در مورد تشویق سرمایه گذاران بخش خصوصی به ایجاد صنایع مورد احتیاج کشور و تخصیص اعتبارات برای این منظور ضرورت دارد از طرف دولت مراقبت بیشتری در باره مشروعات داخلی از نظر کیفی و رعایت چال مصرف کنندگان بعمل آید تا از این رهگذر ضمن اجرای برنامه های توسعه صنعتی حمایت لازم در باره طبقه مصرف کننده نیز ملحوظ شده باشد.

۳- همانطور که تعادل بودجه مملکتی شایان توجه است لزوم حفظ موازنه پرداختها و تقویت مبانی ارزی را هم نمیتوانک با احتیاجات کشور در طی اجرای برنامه چهارم یادآور شده و امید است همانگونه که دولت در سنوات اخیر با اتخاذ تدابیر لازم توانسته است با حفظ موازنه ارزی و تعادل پرداختها بر اعتبارات جهانی کشور

ببافزاید و استحکام ریال را در قبال ارزهای خارجی بوضع شایسته ای تأمین نماید در آینده نیز با پیروی از همین رویه مرصیه در ایجاد تعادل مالی و اقتصادی کشور که هدف یک برنامه سالم اقتصادی است توفیق حاصل نماید رئیس کمیسیون بودجه - مرتضوی

بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور

ماده واحده - بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور شامل درآمد ها و هزینه های وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته بدولت و مؤسسات عام المنفعه کلاً از حیت درآمد بالغ بر ۲۷۴۵۷۹۵۹۳۰۰۰ ریال (دو بیست و هفتاد و چهار میلیارد و نه میلیون و پانصد و نود و سه هزار ریال) و از حیت هزینه بالغ بر ۲۷۴۵۷۹۵۹۳۰۰۰ ریال (دو بیست و هفتاد و چهار میلیارد و پانصد و هفتاد و نه میلیون و پانصد و نود و سه هزار ریال) میباشد. درآمد های عمومی بمبلغ ۹۰۲۸۴۹۲۱۰۰۰ ریال (نود میلیارد و دو بیست و یک هزار ریال) و هزینه های از محل این درآمدها نیز بمبلغ ۹۰۲۸۴۹۲۱۰۰۰ ریال (نود میلیارد و دو بیست و هشتاد و چهار میلیون و نهصد و بیست و یک هزار ریال) تصویب و بدولت اجازه داده میشود درآمد های مزبور را وصول و در حدود درآمد های وصول شده هزینه های مستمر و غیر مستمر وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و همچنین کمکها و اعتبارات سایر دستگاههایی که در جداول منضم به این قانون از محل درآمدهای عمومی منظور شده است بر اساس تخصیص اعتبار و با رعایت مقررات و قوانین مربوط و تبصره های زیر پرداخت نماید:

درآمدهای برنامه عمرانی کشور و هزینه هائیکه از محل آن تأمین میشود همچنین درآمدها و هزینه های مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته بدولت و مؤسسات عام المنفعه بموجب قوانین و مقررات و اساسنامه مربوط بخود قابل وصول و مصرف خواهد بود.

تبصره ۹ - الف - وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی در صورتی میتوانند درآمدهای اختصاصی خود را بمصارف مربوط برسانند که ضمن درآمد های اختصاصی در بودجه

کل کشور منظور در پنج - با بهای خزانه متمرکز شده باشد. وجود درآمد های مزبور به هر مبلغ که وصول شود طبق مقررات مربوط قابل مصرف خواهد بود و خزانه مکلف است بلافاصله پس از وصول درخواست از وزارتخانه یا مؤسسه ذریعته مبلغ لازم را در اختیار بگذارد.

ب - تمرکز وجوه حاصل از بیانات سهم آموزش و پرورش و سهم بهداری و سهم کتابخانه عمومی از درآمد شهر دارپها و درآمد اختصاصی دانشگاهها و دانشکده ها و بیمارستانهای تابعه و مؤسسات آموزشی و کتابخانه ها و موزه ها و بناهای تاریخی و درآمد های محلی که بوسیله انجمنهای بهداری از منابع غیر دولتی تحصیل میشود و همچنین درآمد های حاصل از فروش تولیدات مراکز آموزش حرفه ای و وزارت کار و امور اجتماعی در خزانه الزامی نخواهد بود.

پ - کلیه وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی موظفند صورت کلیه درآمد های اختصاصی خود را از هر منبعی که باشد و هزینه هائی را که از محل آن صورت میگردد هر سه ماه یکبار بوزارت دارائی و دفتر مرکزی بودجه ارسال دارند.

تبصره ۴ - الف - نقل و انتقال اعتبار مواد هزینه و با برنامہ های هر دستگاه از محل درآمدهای عمومی تا میزان ده درصد با موافقت نخست وزیر و نسبت به مازاد آن فقط برای یکبار با موافقت نخست وزیر و تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مجاز است.

ب - در مورد بودجه وزارت جنگ نقل از فعالیت اصلی يك برنامه بفعالیت اصلی دیگر همان برنامه تا میزان ده درصد در اختیار وزارت جنگ و نقل از فعالیت اصلی يك برنامه بفعالیت اصلی دیگر همان برنامه زائد بر ده درصد و همچنین نقل از برنامه ای به برنامه ای دیگر موقوف بتصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی خواهد بود.

پ - نقل و انتقال اعتبار مواد هزینه و برنامه ها فیما بین وزارتخانه های کشور - کشاورزی - آبادانی و مسکن - اصلاحات ارضی و تعاون روستائی و مؤسسات دولتی تابعه آنها با حفظ مقررات هر يك بنا به پیشنهاد

نخست وزیر و تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مجاز خواهد بود.

تبصره ۳ - تنخواه گردان خزانه نزد بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۴۷ تا میزان شش میلیارد ریال خواهد بود. تبصره ۴ - مبلغ مندرج در بودجه وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی تحت عنوان دیون بلامحل و همچنین مبلغ مندرج در ردیف ۵۹۰۱ بخش پنجم هزینه تحت عنوان هزینه های پیش بینی نشده پس از تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی بنا رعایت مقررات قابل پرداخت است.

تبصره ۵ - اوراق قرضه دفاعی موضوع تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۳۴۶ کل کشور که بمنظور تأمین قسمتی از هزینه های وزارت جنگ در سال ۱۳۴۷ انتشار خواهد یافت تا میزان چهار هزار و پانصد میلیون ریال خواهد بود.

تبصره ۶ - اعتبار طرحهای مستمر عمرانی موضوع قسمت نهم جداول منضم سابق قانون (که در بودجه وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی بعنوان جزئی از هزینه های از محل درآمد عمومی منظور شده است) از محل درآمد برنامه نامین و وجوه مربوط موضوع ردیف ۵۵۰۳ درآمد در اختیار وزارت دارائی گذاشته خواهد شد تا بر طبق مقررات مربوط بطرحهای مزبور و بر اساس ضوابطی که سازمان برنامه تعیین میکند به مصرف برسد.

تبصره ۷ - اجازه داده میشود حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی لوازم و اشیائی که برای تدارک رودکی در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ از خارج کشور خریداری و ضمن تصویب نامه هیئت وزیران بطور نسبی از گمرک ترخیص گردیده اند در بودجه کل کشور بجمع و خرج منظور گردد.

تبصره ۸ - آن دسته از درآمدهای اختصاصی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی که ضمن درآمدهای اختصاصی بودجه سال ۱۳۴۷ منظور نشده است جزء درآمدهای عمومی محسوب میشود.

تبصره ۹ - وزارت اطلاعات مجاز است در مورد

برای افرادی که در طول سالهای بعد استخدام میشوند اول فروردین ماه سال بعد از استخدام خواهد بود.

مبلغ دو میلیارد ریال از اعتبار مذکور در فوق در محل سهم سازمان برنامه از درآمدهای نفت در سال ۱۳۴۷ تأمین میشود.

تبصره هائی که تاملفی نشده به قوت خود باقی است تبصره ۱۲ - وزارت خانه های اقتصاد و آب و برق و

بهداری مجازند هزینه سفر و فوق العاده مأمورین خود را که بنا به تقاضای شرکتها و مؤسسات صنعتی و همچنین صاحبان صنایع و اشخاص برای امور کارشناسی شهرستانها اعزام میدارند از متقاضیان وصول نمایند. پرداخت هزینه سفر و فوق العاده مزبور بمأمورین در مورد وزارت اقتصاد بموجب تبصره ماده ۱۶ آئین نامه اکتشاف معادن موضوع ماده ۲۶ قانون معادن مصوب ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ و در مورد وزارت خانه های آب و برق و بهداشتی طبق آئین نامه هزینه سفر و فوق العاده قانون استخدام کشوری خواهد بود.

تبصره ۱۳ - از اول سال ۱۳۴۷ سهم صادرکنندگان از جوائز موضوع قانون کمک به توسعه صدور بعضی از اقلام کالاهای صادراتی مصوب خرداد ماه ۱۳۴۳ بابت صادرات هر سال و جوائز متعلق بصادرات قطعی شده مربوط به سهامی قبل از محل اعتبارات مرکزی توسعه صادرات ایران قابل پرداخت است.

تبصره ۱۴ - بوزارت کشور اجازه داده میشود بمأمورین سازمانهای دولتی و افرادی که در امر ثبت نام و توزیع کارت انتخاباتی مجلس مؤسسان و مجلس شورای ملی و سنا و انجمن های شهرستان و استان (ایالتی و ولایتی) مأموریت حاصل مینمایند روزانه از یکصد تا یک هزار ریال متناسب وظایف محوله طبق آئین نامه ای که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید بعنوان فوق العاده مخصوص از محل اعتبار مربوط پرداخت گردد.

افزادی که در سال ۱۳۴۶ وظایف موضوع این تبصره را انجام داده اند مشمول مفاد این تبصره خواهند بود.

آگهی های تجارتي شبکه راديوئی کشور بدون رعایت مقررات آئین نامه معاملات دولتی طبق آئین نامه ای که با موافقت وزارت دارائی بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید عمل نمایند و در سال جاری آن قسمت از درآمدهای مربوط را که علاوه بر یکصد میلیون ریال منظور در ردیف ۳۵۰۶ قسمت درآمد عمومی عاید شود جزو درآمد اختصاصی منظور و طبق آئین نامه و بودجه ای که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید به مصرف برساند.

تبصره ۱۵ - بوزارت دارائی اجازه داده میشود مطالبات بیمه انکاران ساختمان هائیکه اعتبار اولیه آنها از محل پذیره نفت و صدی سه فر هنگ و بهداشت و وجوه اهدائی نیکوکاران تأمین شده و تا آخر سال ۱۳۴۶ پرداخت تکمیل گردیده و همچنین مطالبات بیمه انکاران ساختمان هائیکه از محل اعتبارات اختصاصی سازمانهای دولتی احداث گردیده و بعات انتقال درآمدهای منابع اختصاصی نامبرده درآمد عمومی کل کشور تا آخر سال مزبور پرداخت نشده است از محل اعتبار ردیف ۵۲۰۴ بخش پنجم هزینه بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور پرداخت نمایند.

تبصره ۱۶ - اعتبار مندرج در ردیف ۵۹۱۱ بخش پنجم هزینه بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور به اجرای مرحله یکم قانون استخدام کشوری مصوب سی و یکم خرداد هزار و سیصد و چهل و پنج اختصاص دارد و دولت مجاز است در اجرای این مرحله بدو اساس قوانین و مقررات استخدامی سابق بگردد و با يك اضافه به مستخدمین رسمی مشمول قانون استخدام کشوری که در تاریخ تصویب قانون مذکور استحقاق ترفیع داشته اند اعطاء کند و حقوق حاصل را بمنزلی مطابق حقوق موضوع ماده ۱۳۵ قانون استخدام کشوری فرزند دهد.

در صورتیکه اجرای مرحله یکم قانون استخدام کشوری تمام یا قسمتی از حقوق رتبه یا اضافه اعطائی را تأمین نکند ماهه التفاوت از اول سال ۱۳۴۸ قابل پرداخت است در اجرای ماده ۳۵ قانون استخدام کشوری قید محاسبه مدت لازم برای اعطای پایه های بعدی در مورد مستخدمین رسمی فعلی اول فروردین ماه هزار و سیصد و چهل و هفت و

تغییرات حاصل در ارقام درآمدها و هزینه‌ها و همچنین تغییرات حاصله در عناوین لایحه بودجه سال ۱۳۴۷ منضم به گزارش کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی

الف- تغییرات در درآمدها (مبالغ به هزار ریال)

۱- حق الثبت سفارش کالا (ردیف ۲۹۰۱ بند نهم بخش دوم، ستون ۵) از ۳/۸۴۰/۰۰۰ به ۳/۵۰۶/۰۰۰ تقلیل مییابد.

۲- ردیف ۲۹۰۹ بند نهم بخش دوم با رقم ۲۴۰/۰۰۰ منظور در ستون ۶ بگلی حذف میشود.

۳- به سطر آخر بند اول بخش سوم (درآمد نفت) تحت عنوان «انتقال از سهم سازمان برنامه از درآمد نفت» (بشماره طبقه بندی ۳۱۱۴) مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ در ستون ۵ منظور میشود.

۴- در بند سوم بخش چهارم (امور اجتماعی) تحت عنوان «وزارت بهداری در آمد حاصل از خدمات کارشناسی» (بشماره طبقه بندی ۴۳۰۳ مکرر) مبلغ ۵/۰۰۰ در ستون ۶ منظور میشود.

۵- در بند چهارم بخش چهارم (امور اقتصادی) تحت عنوان «وزارت آب و برق - درآمد حاصل از خدمات کارشناسی» (بشماره طبقه بندی ۴۴۰۳ مکرر) مبلغ ۵/۰۰۰ در ستون ۶ منظور میشود.

۶- در بند چهارم بخش چهارم (امور اقتصادی) تحت عنوان «وزارت اقتصاد - درآمد حاصل از خدمات کارشناسی» (بشماره طبقه بندی ۴۴۱۶ مکرر) مبلغ ۵/۰۰۰ در ستون ۶ منظور میشود.

ب- تغییرات در هزینه‌ها

۱- سازمان تلویزیون ملی ایران (ردیف ۱۱۱ قسمت چهارم - بر آورد هزینه دستگاهها) ستون ۶ از ۳۴۰/۰۰۰ به ۱۰۰/۰۰۰ تقلیل مییابد.

۲- سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران (ردیف ۱۴۴/۱ قسمت فوق) ستون ۵ از ۵۰۰۰ به ۲۵۰۰۰ افزایش مییابد.

۳- در زیر ردیف ۱۴۵ قسمت فوق مبلغ ۵۰۰۰ تحت

عنوان «وزارت بهداری هزینه خدمات کارشناسی» (ردیف ۱۴۵/۱) در ستون ۶ منظور میشود.

۴- در زیر ردیف ۱۷۴/۲ قسمت فوق مبلغ ۵۰۰۰ تحت عنوان «وزارت آب و برق- هزینه خدمات کارشناسی» (ردیف ۱۷۴/۳) در ستون ۶ منظور میشود.

۵- در زیر ردیف ۱۷۶ قسمت فوق مبلغ ۵۰۰۰ تحت عنوان «وزارت اقتصاد- هزینه خدمات کارشناسی» (ردیف ۱۷۶/۱) در ستون ۶ منظور میشود.

۶- سازمان تماشاگاهها (ردیف ۲۱۳ قسمت فوق) در ستون ۵ از ۱۲۳۰۰۰ به ۱۰۳۰۰۰ تقلیل مییابد.

۷- ردیف ۴۱۰/۱ قسمت فوق (سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی - بابت جبران کمکی که قبلاً از محل نیم درصد خدمات صحت دریافت میکرد) با مبلغ ۱۵۰۰۰ منظور در ستون ۵ بگلی حذف میشود.

۸- ردیف ۴۱۷/۱ قسمت فوق (جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران - بابت جبران کمکی که قبلاً از محل نیم درصد خدمات صحت دریافت میکرد) با مبلغ ۱۵۰۰۰ منظور در ستون ۵ بگلی حذف میشود.

۹- باشگاه خلبانی هواپیمائی کشوری (ردیف ۴۳۳ قسمت فوق) ستون ۵ از ۲۸۵۰۰ به ۳۸۵۰۰ افزایش مییابد.

۱۰- «قسمتی از هزینه های اوراق قرضه دفاعی» (ردیف ۵۱۹۹ قسمت فوق) ستون ۳ از ۱۰۰۰۰ به ۸۰۰۰۰ افزایش مییابد.

۱۱- عنوان ردیف ۵۹۱۱ قسمت فوق به ۳۴ هزینه اجرای مرحله اول قانون استخدام کشوری «اصلاح» مبلغ منظور در ستون ۳ آن از ۳۰۰۰۰۰ به ۳۳۰۰۰۰۰ افزایش مییابد.

۱۲- اعتبار دولت (ردیف ۱۰۳/۱ قسمت چهارم - بر آورد هزینه دستگاهها) ستون ۵ از ۴۲۵/۰۰۰ به ۴۱۵۰۰۰۰۰ تقلیل مییابد.

۱۳- ردیف ۱۰۴/۱ قسمت فوق از ۲۰۰۰۰ به ۳۰۰۰۰۰ افزایش مییابد.

ج- تغییرات در عناوین:

۱- بدنبال «تالار رودکی» (ردیف ۱۴۴/۲ قسمت چهارم - بر آورد هزینه دستگاهها) کلمه «کمک» علاوه میشود.

۲- بدنبال «سازمان مرکزی تعاون کشور» (ردیف ۱۵۶ قسمت فوق) کلمات «نخست وزیری» علاوه میشود.

۳- بدنبال «مؤسسه آشناسی» (ردیف ۱۷۵ قسمت فوق) کلمه «کمک» علاوه میشود.

۴- کلمه «کمک» مذکور در آخر عنوان «کاخ جوانان» (ردیف ۴۳۲ قسمت فوق) به «اعلانه» اصلاح میشود.

۵- در ذیل صفحه ۶۴ قسمت ششم (بر آورد هزینه دستگاهها بر حسب مواد هزینه) مربوط به مؤسسه آشناسی جمله «اعتبار منظور برای هزینه های این دستگاه در سال ۱۳۴۷ بصورت کمک پرداخت میشود» افزوده میگردد.

نایب رئیس - کلیات لایحه مطرح است، آقای پزشکپور بفرمائید.

پزشکپور - این بار برای بحث پیرامون بکی از اساسی ترین مسائل مملکتی برای اولین بار در تاریخ مشروطیت ایران و تاریخ کار پارلمان ایران بدعت و سنت بسیار خوبی گذاشته شد و این بدعت و سنت عبارت از این است که فراکسیون های سه گانه ای که در مجلس شورای ملی هستند یعنی فراکسیون حزب ایران نوین و فراکسیون حزب مردم و گروه پارلمانی پان ایرانیست چنین بررسی کردند که در کلیات نسبت به اساسی ترین مسائل ای که مطرح است یعنی بودجه باید عنوان شود هر يك از نمایندگان این سه گروه که در این مرحله رهبران فراکسیونها هستند مسائل و نظرات فراکسیونها را بیان میکنند و از آنجا که یکی از مسائل بسیار اساسی که در جامعه ما مطرح است و بطور قطع هر ملتی که خواهد ایستاد نظامات اجتماعی خودش را بر پایه های منجگمی استوار کند جز این چاره ای نیست که بسوی یک نظام عمیق و مستحکم حزبی حرکت کند و این گذشته از آنکه یک نیاز اجتماعی است خواست و هدفی است که برای تکامل هر چه بیشتر اجتماع ما رهبر میهن ما، شاهنشاه ایران دنبال میکنند و مورد نظر قرار میدهند و همانطور که در آغاز کار گروه پارلمانی پان ایرانیست در این مجلس محترم عرض کردم ما باین مسأله که لزوم استقرار هر چه بیشتر انضاط حزبی و آشنا ساختن کوششهای اجتماعی یک فعالیت دقیق و منظم حزبی است کاملاً معتقد هستیم و باین جهت است که این کلامی که در این مرحله برداشته شد که نظر بان و عقاید و گفته هائی را که گروه های

پارلمانی میخواهند بیان کنند در این مورد اصولی و کلی یک تن از سوی هر گروه بیان نماید يك کام بسیار مؤثری است لذا برای تحقق بخشیدن هر چه بیشتر باین طرز کار دقیق حزبی و باین سیاست بود که گروه پارلمانی پان ایرانیست چنین نظری و چنین پیشنهادی را بلاغوتی باز استقبال کرد و ما آماده هستیم برای اینکه این نوع همفکری ها را برای اعمال روشها و طرز کار اصولی دنبال کنیم. البته تذکر این نکته هم شاید خالی از ضرورت نباشد که من امکان پیدا کردم سخنران مخالف اول باشم بلحاظ اطفی بود که همکار ارجمند جناب آقای رامید میذول فرمودند و گروه هم بر حسب پیش کسوتی پارلمانی وهم از نظر تعداد نمایندگان گروه پارلمانی حزب مردم شاید حق این بود که ایشان بعنوان مخالف آغاز سخن بکنند اما پس از این مقدمه که يك توجه مختصری بود نسبت به این روش کار جدید فراکسیونها در این خصوص وارد بحث و بررسی نسبت بمسئله لایحه بودجه میشویم. بی شك به اهمیت و وابستگی که لایحه بودجه با کلیه مسائل اجتماعی يك ملت و ملت ما از هر جهت داره امکان آگاه و واقف هستید و بخصوص خوشبختانه که این تغییر سلیقه بوجود آمده که دیگر مسأله بودجه صرفاً عبارت از آن اقلام و اعداد نباشد، زیرا در ورای این اقلام و اعداد و یا در شکم این اقلام و اعداد مسائل اجتماعی ما وجود دارد، مسائل ملی ما وجود دارد، سیاست دولت ها نسبت بشئون و امور مختلف اجتماعی وجود دارد، روشهای آنها نسبت بچگونگی حل مسائل اجتماعی وجود دارد. طرز کار آنها نسبت بمنحوه اعمال آرمانها و هدفهای ملی وجود دارد، بنابراین مسأله بودجه و طرح و بررسی درباره بودجه را از این جهت و از این نظر باید مورد توجه قرار بدهند و بهمین مناسبت هست که مقنن در مورد بحث درباره بودجه فائق بزمان معین نشده برنامه دولت هنگامی که مطرح است دارای زمان معینی و فرصت معینی هست که ناطق میتواند در آن باره صحبت بکند هر چند در این خصوص نظر گروه پارلمانی پان ایرانیست این است که واقعا بحث درباره برنامه دولت نباید بمعنی بدعت باشد (چند تن از نمایندگان صحیح است) بحث درباره برنامه دولت هم

باید از يك امکان وسیع و نامحدود از نظر زمان برخوردار باشد زیرا هنگامی که دولت جدیدی معرفی میشود ضرورت دارد که قوه مقننه و ملت بدانند و دقیقاً بدانند که دولت سمت چه هدفهایی حرکت میکند و چه برنامه‌هایی دارد و چه طرح‌هایی دارد بخصوص آنوقت دولتی خواهد بود که بودجه که زمان بحث نامحدود است بعد از تصویب بدست آن دولت سپرده میشود پس قبلاً لازم است با همان امکان با همان فرصت مناسب و با رعایت همان اهمیت درباره برنامه دولت بحث و بررسی بشود و امیدوار هستیم که در دوره همین مجلس بیست و دوم بتوانیم این گام را با هم گامی و همفکری سایر همکاران محترم برداریم که نسبت به برنامه دولت هم همین اهمیت در نظر گرفته شود و همین فرصت غیر مفید برای بحث در باره برنامه دولت پیش‌بینی بشود، گمنا اینکه نسبت به لایحه برنامه چهارم ما اینگونه بررسی کرده بودیم و قرار بود از مقام ریاست مجلس شورای ملی بخواهیم در واقع قید مدت را بردارند بلحاظ اهمیت خاصی که داشت، خوشبختانه مقام ریاست خود به این مسأله قبلاً توجه داشتند و نحوه سنتی که در پیش گرفتند این بود که بحث در باره لایحه معتد به آن قید زمانی نبود و همین سبب است که در بحث بودجه هست امیدواریم يك سنتی باشد برای بحث در باره برنامه دولتها در موارد دیگر و این قید زمانی را بردارند تا نمایندگان ملت بطور دقیق و مبسوط و بدون آنکه مفید بقید زمانی باشند در باره مهمترین امر مربوط بدولت و ملت یعنی لایحه برنامه دولت بحث و بررسی کرده تصمیمی اتخاذ کنند بنابر این انگیزه و سنتی که پیش‌بینی شده است در مورد بودجه بحث و سخنهای بسیار بشود و بطور نامحدود سخن گفته بشود از برای اهمیتی است که بودجه به این جهات دارد و اگر فقط برای جمع و تفریق اعداد و ارقام بود که کار یک ربع ساعت است (صحیح است) اگر مسأله این بود که این ستون با آن ستون طراز هست یا نه کار یک ساعت است، آن کسیکه تخصص ندارد ممکن است با فرض بیشتر این جمع و تفریق را بزند و آن کسیکه تخصص داشته باشد مانند آقای مرتضوی این جمع و تفریق

را ظرف ده دقیقه انجام میدهد (خنده نمایندگان) این کار ساده‌ای است و این واقعیتی است اما مهم آن سیاستهایی است که در نهاد بودجه قرار دارد، مهم آن روش‌هاییست که در شکم اعداد قرار دارد، مهم آن اصول کاری است که بودجه مبین آن اصول کار است آن اصول و روش‌هاییکه هر يك بنحوی با قسمتی از زندگی و سر نوشت ملت ارتباط دارد، آن اصول و روش‌هاییکه سیاست‌آلبانی دولت را مشخص میکنند سیاست دولتها را بر مبنای جمع آوری درآمدها مشخص میکنند و آن اصول و روش‌هاییکه سیاست دولت را در مورد طرح این درآمدها مشخص میکنند و جایگاه این هزینه‌هاییکه صورت میگیرد، جایگاه این خرج‌هاییکه صورت میگیرد از بدت‌العمال ملت، از خزانه موجودی مملکت، آنوقت مبین این است که در هر خصوص دولت چه روشی دارد و آنوقت نمایندگان ملت هستند که باید در این باره بحث و بررسی کنند که آیا آن روش‌ها با شدت و ضعف آن روش‌هاییکه با اصول زندگی و هدفهای ملی، با مصالح ملی یا باینست تأمین کردن مسائل ملی تطبیق میکند یا تطبیق نمیکند؟ متأسفانه در دوره‌های گذشته نه تنظیم کنندگان بودجه به این مسأله توجه داشتند و نه مخالفین با مدافعین بودجه‌های دولت اینست که بودجه‌ها غالباً عبارت بود از يك سلسله ارقام و اعداد خاموش البته فی الواقع براساسی خاموش نبود و این داستان بودجه و داستان اعداد از آن مواردی است که آنچه ظاهراً با تصور و ذهن مرتبط است و آنچه که ظاهراً موجودیت خارجی و قابل لمس ندارد یعنی عدد با خودش یک دنیا مطلب دارد و خودش یک دنیا سخن دارد و با خودش رازهای بیشتر يك ملت را دارد و با رازهای غم‌انگیز عقب ماندگی يك ملت را با سخن از آزادی يك ملت دارد و با سخن از بیداری دستگاه‌هایی داشته باشد با سخن از عدم توجه بدستگاه‌هایی به مهمترین مسائل مملکت عده‌ای از نمایندگان (صحیح است) کار نمایندگان مجلس چیست؟ کار نمایندگان مجلس این است که اعداد خاموش و مرتبط با ذهن را سخنشان باز گو کنند، این اعداد را بشکافند، مفاهیم بزرگ و مهمی را که در سینه آنهاست بیرون بکشند و آنها را دقیقاً

توجه با احتیاجات و نیازهای ملی و نیازهای مملکتی بررسی کنند و آن وقت سخن‌ها و رازهایی را که در نهاد و سینه آن اعداد است بیان کنند و در واقع ما همان بیان کنندگان سخنهای آن اعداد هستیم و آن وقت سخن‌ها را میگوئیم چه سخن خوش آیندی باشد چه سخن ناخوش آیندی چه آن سخن‌ها حاکی از نیازمندیهای ملی باشند و چه آن سخن‌ها حاکی از عدم توجه به نیازهای ملی باشند چه آنجا آن عدد بگوید که نمایندگان ملت مردم ایران بدانند من در مسیر برنامه‌ها و سمت هدفهای شما هستم چه آن رقم بگوید مردم ایران بدانند من آنطور که انتظار دارید در این قسمت نخواهم توانست نیازهای شما را برآورده کنم در این قسمت نخواهم توانست آن باری که تنظیم کنندگان بودجه بعهد من گذاشته اند بکنم در این قسمت نخواهیم توانست آن امیدهای کسی که تنظیم کنندگان بودجه به شما ملت داده‌اند برآورده کنیم و ممکن است آن اعداد سخنشان این باشد که خیر ما خواهیم توانست وظایفی را که بعهد ما گذاشته‌اند انجام دهیم بنابر این از این نکاتی که عرض کردم منظورم این بود که تنظیم بودجه و بحث در باره بودجه از این جهت باید مورد توجه قرار گیرد، یعنی تنظیم کنندگان بودجه باید بطور قطع تمام مسائل را قبلاً بشناسند تمام مسائل ملی را روی میز بیاورند، آنها را سبک و سنگین کنند، الا هم و فلا هم کنند، بررسی دقیق بکنند تا آنوقت معلوم بشود مشخص شود که چرا این بودجه که این عددها هستند نه که باید بر روند و چطوری باید آنها را ترکیب کرد که به آن نظر لازم برسد، يك بحثی را ما داریم مدام تکرار میکنیم گاهی اوقات بعضی از دوستان میفرمایند شما بعضی از مسائل را تکرار میکنید (صحیح است) علت اینست که این مسائل تکرار میشوند و از نظر آقایان يك مسائل تکراری است این است که اینها يك مفاهیم نو (معنی عدم ارتباط با یکدیگر) است (صحیح است) عرض کنم اینها يك مفاهیمی است که من مرتبط با موجودیت ملت ما ولی شناخته شده نبود این مفاهیم يك نهضت و يك رستاخیز بیان میکنند، اصولاً خصوصیات يك نهضت و رستاخیز این است که با خودش

اصطلاحات و مفاهیم خاصی میآورد، با خودش فرهنگك خاص میآورد، با خودش طرز صحبت کردن خاصی میآورد با خودش نظم و نشر خاصی میآورد (چند نفر از نمایندگان - آفرین) و گاهی دیده‌ام که بطرز صحبت کردن ما ایراد میشود، گمان نکنید يك حالت تشعری باشد این يك طرز صحبت کردنی است که این نهضت آورده است. گاهی ممکن است حتی طرز راه رفتن بر خی از زبان ایرانیست ما با دیگران فرق داشته باشد، بعضی فکر نکنند شاید ما دارای يك خود خواهی خاصی هستیم نه بنظر نیست ولی این طرز فکر يك اندیشه خاصی میدهد اگر بخاطر آن باشد بر بروز متأسفانه این جا تذکراتی دادم به همکاران تندتوس و خواهش کردم که در این صورت جلسات مراقب باشند که از طرف ما ننویسند (بند) چون يك بان ایرانیست هیچ وقت بنده نمیگوید (جوانشیر - اینکه میگویند بنده مقصود بنده خداست نه بنده کسی) اصولاً يك بان ایرانیست و يك ایرانی (من) هست غلی ابله، چنین فکر میکنم که در روز کاری که ملت ما باید آزاد گیها را در باید، در روز کاری که باید ملت ما قیدرهای از دست داداش را در بیاورد، در روز کاری که باید ملت ما يك تجدید ساختمانی از هر جهت، از نظر اقتصادی، از نظر روانی و از نظر فرهنگی بکنند این ملت دیگر نباید سینه بند گیهایش بیاید آثار بندگی مهر کیفیت باید در جامعه ما ترك بشود بگذارند يك دانش آموز، يك تلوآموز وقتی میآید پیش معلمش میایستد نگوید بنده چون وقتی گفت بنده فوراً سرش خم میشود وقتی گفت من تمام آن جوهر ایرانی را حس میکنم، تمام شخصیت ایرانی بودن را حس میکنم منظور عرض من این است که يك نهضت و يك فکر و يك اندیشه با خودش اصطلاحاتی میآورد، با خودش مفاهیمی میآورد و آنچه را ما عرض میکنیم نه من باب این است که تکرار میشود بسادگ است که دوست عزیز آقای دکتر الموتی يك بار فرمودند در فلان مقاله که شما نوشته بودی چندین بار ذکر نیا خاك شده بود گفتم خوب اگر شما يك مقاله‌ای مرقوم بفرمایید جامع همین چند بار ممکن است نام همین را بیاورید بجای آن که نمیشود کلمه دیگری گذاشت نیا خاكك مفهومی است که دوستان این نهضت فرهنگی

و این نهضت سیاسی گنجانده شده مفهومی است که هیچ کلمه دیگری آن مفهوم را نمیتواند بیان کند و وقتی ما گفتیم نیاخاک یعنی آن سرزمینی که باخون ایرانی پیوند دارد و آن سرزمینی که ملت ایران و بیان ایرانیست معتقد است که اگر قسمتهائی را از این خاک جدا کردند باید دست بدست هم داد و این را بازگرداند (دکتر المونی - حرف حسابی را ما قبول داریم) والا نمیتوانیم زندگی کنیم، نیاخاک این مفهوم را دارد. خوب جای نیاخاک چه لغت دیگری را بشود گذاشت (اخلاقی - کسی نمیتواند لغت وضع کند) من نشنیدم که آقای اخلاقی چه فرمودند (اخلاقی - کسی نمیتواند لغت وضع کند) حالا این را فرمودید بادم هست شاید بخاطر خودتان باشد این لغت آرمان و آرمانهای ملی از آن لغت هائی است که دیگر برای کسی بعید و بیگانه بنظر نمیرسد ولی بسیاری از دوستان بخاطر دارند که وقتی این واژه آرمان را بیان ایرانیست ها ۱۵ سال ۲۰ سال پیش مطرح کردند درست همین بیگانگی را که بعضیها حالا نسبت به نیاخاک احساس میکنند آنوقت نسبت به لغت آرمان حس میکردند (اخلاقی - آرمان همیشه بوده است) منظور عرض بیان این نکته بود که یکی از مسائلی را که ما مدام عرض میکنیم و با اینکه بقول آقای اخلاقی همیشه بوده است ولی نمیدانم که چرا گاهی با ما میگویند چرا تکرار میکنید مسئله اصطلاح و عنوان آرمان خواهی است در مسائل مطروحه مملکتی موقعیکه لایحه برنامه چهارم مطرح بود ما این مسئله را بیان کردیم یک لایحه عادی هم که مطرح شود ما این مسئله را بیان میکنیم اگر یک آدم بخواهد تربیت بشود ما این مسئله را بیان میکنیم یک روزنامه بخواهد منتشر بشود ما این مسئله را بیان میکنیم یک گروه اجتماعی بخواهد بوجود بیاید ما این مسئله را بیان میکنیم یک خشت روی خشت اگر گذاشته شود ما این مسئله را مطرح میکنیم پس ما معتقد هستیم در همه امور مربوط بملت و مملکت اصل آرمان خواهی باید وجود داشته باشد (احسن) این اصل آرمان خواهی یعنی چه؟ یعنی علم به این موضوع که ما بدانیم آنجا که میخواهیم لایحه ای تنظیم کنیم این لایحه چطور باید تنظیم بشود برای اینکه در مسیر آرمانهای

ملی باشد، آنجایکه میخواهیم یک انسان تربیت کنیم این انسان باید چه جور تربیت شود برای اینکه در مسیر آرمانهای ملی ایران باشد؟ شاید بفرمائید حالا اینطور هست ولی باید عرض کنم اینطور نیست نمونه اش این روش آموزش و پرورش است که ما داریم یعنی ممکن نیست بهر حال ما دارای یک آرمانهای ملی باشیم ولی در یک کورد کستان و دبستان یکی از فرزندان میهن ما با یک روش، با یک افکار خاص تربیت شود و در یک کورد کستان و دبستان دیگر با یک روش دیگر و با یک آرمان دیگر این است که این امر مهم معطوف به آرمانهای ملی نیست یعنی یک آرمانهای مشخصی را در نظر نگرفته اند آنوقت بسیاری از مشکلات که از آن صحبت میکنیم، مسائل مربوط بدانچه جوانان مسئله مربوط به جوانان را چه کسی میتواند بگوید که این مسائل ناشی از خود جوانان است، هیچ کس نمیتواند چنین مطلبی را بگوید، این مسائل ناشی از آن روشها و از آن دستگاهها و سازمانهایی است که وظیفه رسالت آموزش نسل جوان را به عهده دارند اگر این عدم هماهنگی ها احساس میشود اگر این تغییر و تحولات احساس میشود برای این است که ما به آنها آموزش بدهیم ندادیم، برای اینکه آنها را یک جور تربیت نکرده ایم، برای اینکه کانونهای آموزشی ما هرگز در عمق و در ژرفای کانونهای آرمان خواه نبوده اند (عده ای از نمایندگان - صحیح است) بنابراین این آرمان خواهی میبایست در تمام موارد اعمال شده و اگر می بینید اگر غالباً تکرار میشود چاره ای نیست چون از ضروریات امری است و از مواردی است که بطور قطع در هر امری باید مورد توجه کامل قرار بگیرد و اصل اولیه باشد برای اینکه هر بنائتی را روی خودش استوار بکند عرض کرده حتی در مورد خشت روی خشت گذاشتن باید اینطور باشد اینرا لابد جناب آقای پهلبد عمیق تر به آن توجه دارند نکته ای بود که چندی پیش آقای نخست وزیر در یکی از مجامع متذکر شده بودند که در این ساختمانهای تنظیم که ایجاد میشود کوآن روح معماری ایرانی؟ کوآن روح آرمان خواهی؟ پس اگر در یک گوشه ای خشتی روی خشت میگذازند به آن روح آرمان خواهی باید توجه شود باید

آن روح آرمان خواهی وجود داشته باشد، این تهران بی قواره متراول بزرگ شده بدون اینکه هیچ اصلاتی در ساختمانها ما بینیم و حتی توی این شهر یک چنین احساسی را میکنیم ما از نظر اقتصادی نگاه کنید چقدر سرمایه گذاری شده چقدر نیروی کار بکار رفته اما شما وقتی توی خیابانهای تهران راه میروید نمیتوانید احساس کنید که این خیابانها حتی متعلق به شهر است، نمیتوانید احساس کنید که حتی خانه هاییکه در آن خیابان هستند متعلق به شهرند ما آن روح آرمان خواهی و آن اصالت را نمیبینیم، گمان نکنید اینها بیکه عرض میکنم منبای بیان یک مطالب مطلق است و با اینکه شعر است اینها اساسی ترین مسائل اجتماعی است یعنی آن ملتهائیکه جامعه شان را خوب ساختند جمعاً منظم ساختند آن ملتهائیکه روی پای خودشان ایستادند آن ملتهائیکه قدرت های بزرگ ایجاد کرده اند بجز این مسائلی بیشتر توجه داشتند (مهندس عطائی - مهم روی پای خودمان ایستاده ایم) البته ما در راه نبردمندی هر چه بیشتر هستیم ولی آقای مهندس هنوز تمام هدفهایمان نرسیده ایم و ما هیچگاه این مطلب را بیان نمیکیم که ملت ایران به تمامی مقاصد عالی خودش رسیده است ما هیچگاه این مطلب را بیان نمیکیم که ملت ایران به آن مقاصد نهائی و غائی نظرات بزرگ شاهنشاه رسیده است اگر اینطور فکر کنیم و تلاش لازم را نخواهیم کرد ما تازه از یک مرحله باسامان گذشته که با نگاههای آنرا کوبیده ایم و هنوز میبایست با نگاههای دیگرش را بگوییم، در این راه تازه قدم گذاشته ایم من بتراصر بجا عرض میکنم تازه پا به این راه گذاشته ایم مهندس عطائی - ما پیشرفت کرده ایم) این درست است چرا اینرا میفرمائید ولی در این پیشرفت نباید توقف کرد اکثر جزئیاتی - با توجه به زمان ما خیلی پیشرفت کرده ایم تمام روشهای ما صحیح بوده است که پیشرفت کرده ایم) یک روش عامی هست که این مسائل را بگوئیم و بررسی کنیم برای اینکه بسمت یک هدف مستحکم تر حرکت کنیم این نکته را اجازه بفرمائید اینجا عرض کنم که بنظر من بهیچوجه نه ملت ایران نه شاهنشاه ایران و نه شخص آقای هودا تا آنجایکه دیدم بسیاری از دوستان حزبی

که در اکثریت هستند و بالاخره همه کسانی که طالب یک کوشش و تلاش هستند هیچیک از اینها از این مراجع و مقامات چنین فکر نمیکند که ما تمام مشکلات را حل کرده ایم، همه مسائل را حل کرده ایم و دیگر کاری نداریم - اصولاً من تعجب میکنم وظایف احزاب اینست، با حزب اکثریت با حزب اقلیت هر کس چنین بگوید سبب میشود که تجهیز لازم روانی، تجهیز لازم نیروهای انسانی نشود. بمسائل خودمان توجه نکنیم مسائلتان را شناسید نخواهید توانست آنها را حل بکنید مسائلتان را شناسید نخواهید توانست آنها را حل بکنید بسیار وجود دارد و میخواهیم حل کنیم و من فکر میکنم که اصولاً این نحوه بحث را ما دنبال نکنیم چون در شان انقلاب ماست و نه در شان ملت ما و نه در شان مبارزات اصولی حزبی، مطلقاً اینطور نیست، بگذارید مسائل بیان بشود، بحث بشود و راه حل مسائل روشن گردد وظایف احزاب اینست چه حزب اکثریت یا اقلیت اصلاً اگر اینطور نباشد پس شان نزول ایجاد حزب چیست؟ وجود حزب یعنی چه؟ حزب یعنی یک مؤسسه، یک مکتب متشکل نیروهای اجتماعی که میگویند ما مسائل اجتماعی را اینطور میشناسیم و راه حل مسائل اجتماعی را هم بیان میکنیم پس اگر قرار باشد بگوئیم مسأله ای وجود ندارد دیگر وجود حزبی هم به این کیفیت درست نیست ما چنین فکر نمیکیم ما عقیده داریم که مسائل بسیاری هست منتهی امروز جامعه ما، ملت ما در راه حل آنست، برخی از این مسائل را حل کرده ایم بسیار دیگرش مانده است ما هنوز برای نظم اجتماعی در روستاها مشکلات عظیم بر ایران هست مرحله اول مسئله خلع بد از قنود الیزم بود که انجام شد ولی هنوز برای ایجاد نظم در روستاها مشکلات عظیم وجود دارد که باید این مشکلات عظیم را حل کرد آقای مهندس عطائی لایحه شرکتهای زراعی را چه آمد؟ این لایحه بعد از انقلاب برای این آمد که نظم انقلابی را در روستاها مستقر کند و شما گمان میکنید مستقر کردن این نظم در روستاها مواجه با اشکالاتی نیست، مواجه با مسائلی نیست و آنوقت شما بما میگویند ننشینید و اگر بنشینیم مسائل را

نشاسیم که راه حل را پیدا نخواهیم کرد، بنابراین شناخت يك چنین مسائلی، راه حل يك چنین مسائلی من حیث المجموع همان آرمانخواهی است که عرض کردم بنابراین من نمیتوانم، و برای هیچکس این مسئله قابل فرض نیست که اصولاً بدون اینکه قبلاً يك مسئله اجتماعی وجود داشته باشد يك تمهید اجتماعی صورت بگیرد دولت لایحه را برای چه میآورد، لابد يك سلسله مسائلی وجود دارد که برای حل آن باید يك لایحه ای بیاورد دولت برای چه يك سازمان جدید تاسیس میکند؟ لابد يك نیازی وجود دارد که امیدوارم تمام سازمانهای روی اصل کین نیاز باشد اصل اینست که سازمانها وقتی بوجود میآید احساس میشود که يك نیاز اجتماعی وجود دارد و برای اینکه این نیاز اجتماعی را برآورده کنند آن دستگاه را بوجود میآورند این اولین اصل کار تشکیلات و سازمان دادن است و دیگر سوای این نباید باشد که تراکم سازمانها را بخاطر نور چشمیها ایجاد میکنند نمیگویم حالا ایجاد میکنند بنابر این اصل اینست که اگر يك سازمانی ایجاد کردید این سازمان برای چیست؟ برای اینکه يك نیاز اجتماعی وجود دارد و بخاطر اینکه این نیاز اجتماعی را برطرف کنند این سازمان را بوجود میآورند پس قبلاً باید آن آرمان شناخته بشود، منطبق به آن اصول و هدفها پیاده شود چه داستان عجیبی است وقتی سخنی را آغاز کردیم کار از جمله معترضه از جمله معترضه بلکه از نطق معترضه هم میگردد، بر میگردد به آنچه که شاید يك ربع، بیست دقیقه قبل میخواستیم عرض کنیم و آن عبارت از این بود که پس بودجه هم باید هنگامی که این کلمات و اعداد را کنار هم قرار میدهند بر آن اصل آرمان خواهی تکیه داشته باشند تا اینکه بتواند يك بودجه مفید باشد و با حد اقل آنیکه بر اساس علم بودجه ریزی یا بودجه گزاری آقای دکتر طباطبائی کدامش درست تر است (دکتر عدل طباطبائی - بودجه نویسی) بودجه نویسی تنظیم بشود و باز همین جهات است یعنی یکی از جهات دیگر اهمیت خاصی که بودجه دارد این است که بودجه تمامی آن طوماری است تمامی آن رساله های

است، تمامی آن کتاب یسا کتابچه ای است که همه مسائل مالی مملکت را در بر دارد تمام را، و یکی از وظایف خاص یعنی یکی از برترین وظایف چون نمیشود گفت يك بوظائف خاصی چون اصولاً نظارت نسبت به امور مملکت در هر زمینه و در هر سطح با مجلس شورای ملی است ولی یکی از مهمترین وظایف مجلس شورای ملی اعلان نظر، دقت نظر و اعمال نظارت نسبت بمسائل مربوط بخزانة مملکت است خزانة مملکت يك مفهوم وسیع نه تنها آن خزانة ای که فعلاً در اختیار آقای دکتر آموزگار هست بلکه خزانة مملکت به آن مفهوم وسیع که تمام در آمد مملکت و تمام هزینه هائی که در مملکت صورت میگردد بنحوی به آن پیوند و ارتباط پیدا میکنند این است که در این مورد این وظیفه برتر مجلس شورای ملی است بنابراین وقتی که بودجه و لایحه ای میآید که تمامی این مسائل را با خود دارد سیاستها و جهات و انگیزه هائی را که دولت در نظر دارد با خودش دارد، نتایجی را که مترتب بر اموراتش با خودش دارد اینجا است که مجلس شورای ملی باید مذاقه و بررسی کامل بکند نه تنها همانطور که عرض کردیم مذاقه در قالب اعداد و در قالب آن ستونها بکند بلکه در آنچه که واقعا در شکم آن اعداد و آن ستونها وجود دارد و بطور کلی چنین نتیجه گیری میشود که بودجه نماینده روشها و سیاستهای دولت است پس بحث درباره بودجه بیان است مآلاً از بحث در باره روشها و سیاستهای دولت در امور مختلف و چون بلحاظ مسئولیتی که دولت چه بپذیرد ما از لحاظ رسالت تاریخ دارد چون باز هم این بحثی است که ما معتقدیم که يك دولت در برابر ملت خود بحد اصول و موازین تاریخی دارای يك وظایفی است و رسالتها را بعهده دارد لزومی ندارد که فقط قوانین آن رسالتها مشخص کرده باشد این رسالتها تاریخ يك ملت، يك ملت، گذشته يك ملت، موقعیت جغرافیائی و سیاسی يك ملت مشخص میکند و آن بحث بسیار اساسی و دقیق این است که يك دولت بمعنای اخص رسالت های تاریخی را واقعاً بشناسد، قوانین و مقررات آنوقت تکیه گاه است از برای آنکه آن رسالتهای تاریخی خودش را بداند اجزاء کند و الا بحث درباره این سالها و این روزها نمیتواند

نظر همکاران گرام را بسالهای قبل از انقلاب عطف میکنم در آن ادوار غالباً دولتهائی هم بوده اند، دولتهای فسانوئی هم بوده اند ولی واقعاً با آن دولتها رسالتها را از آنکه در بر امورات داشتند درك نمیکردند؛ درك نمیکردند با این دولتها رسالتها را که در پیشگاه مردم ایران و جامعه ایرانی و آرمانها را که در مقابل تاریخ ایران و اجتماع ملت ایران و در پیشگاه شاهنشاهی ملت ایران داشتند عمیقاً احساس میکردند؛ احساس نمیکردند بسیاری از آنها این سخنها را میگفتند، بسیاری از آنها بنام ملت ایران شاه شاهنشاهی ایران سخن میگفتند ولی میدیدیم که غالب اینها زنجیر دارهای مردمی اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران بودند میدیدیم که غالب اینها از يك نظامهای پیسیده تبعیت میکردند میدیدیم آنها آن سنتهای بردگی و زاری را تا باید میکردند، این مسئله نمیتواند از آنها سلب مسئولیت بکند که اگر بگویند علت اینکه ما آن موقع این کار را نکردیم بجهت این بود که شاهنشاه فرمان به انقلاب داده بودند زیرا آنچه را که شاهنشاه فرمان به آن دادند فرمان به آرمانهای ملی بود چون دیدند دولت و آن سازمانها این وظایف را انجام نمیدادند فرمان به انقلاب دادند (صحیح است) این آن مسئله اساسی است و ما اگر چید این مسئله را نشناسیم همانطور که شیوه های کهنه بوده نه کهن این را من استدعا میکنم توجه بفرمائید نپذیرم کدام يك از دوستانی بود که اینجا این تذکر با خواهش را کردند (بگفتند از نمایندگان - آقای دکتر دادفر بودند) کلمات مثل اشخاص با خودشان يك مفاهیمی را یا خوب دارند یا ناخوب کلامه کهنه از آن کلماتی است که خودش مفهوم زیبا و شوکو همنندی را دارد و ما میگوئیم شاهنشاهی کهن ایران ما میگوئیم فرهنگ کهن ملت ایران آنچه که زشت و بد است کهنگی است نه کهن بودن کهن بودن از کلمات مقدس است یعنی در حد خودش در هر زمانی مقدس است و آن کهنه بودن است و من خیلی جفم آمد که دیدم این واژه کهنه در يك هنگامی بکار آمد که منظور سنتهای کهنه بود بنابراین یکی از سنتهای نظم کهنه و منسوخ این بود که مدام مسئولیت لوٹ میشد یکی از طرق لوٹ بگردن مسئولیت این بود که بگویند

مادر مورد انجام این خدمت منتظر فرمان شاهنشاه بودیم انجام خدمت وظیفه است لزومی ندارد که کسی برای انجام خدمت منتظر فرمان شاهنشاه باشد (صحیح است) این خواست شاهنشاه است (صحیح است) کسیکه مصدر يك کار می شود باید خدمت کند، باید وظایفش را آنطور که متعلق به آرمانهای ملی است انجام بدهد قدر اگر از او مؤاخذه کردند که چرا این وظیفه اتان را انجام ندادید نمیتواند بگوید چون فرمان صادر نشد، این فرمان همیشه است فرمان ملت است، فرمان شاهنشاه است، فرمان تاریخ است که هر کسی در هر جایگاهی است باید مسائل ملی اش را بشناسد به آرمانهای ملی اش سر بسازد و در راه آرمانهای ملی اش مبارزه کند و این زمان و شرایط خاص تمیخواهد این است که روزی یکی از دوستان عزیز پارلمان منیاب اشتباه نکته ای فرمودند که ۱۵، ۲۰ سال پیش فرض بفرمائید که ما این احساس غرور را نمیکردیم و من واقعاً غمگین شدم و ناچار شدم در آنجا این مسئله را بیان کنم چون يك ایرانی در هر حال ایرانی است و در هر حال وظایف ملی اش را باید بشناسد و در هر حال مبارزات ملی اش را باید انجام بدهد و در هر حال بوظایفی که تاریخش، ملتش بدهد او را گذار کرده باید آشنا باشد يك چنین وظیفه ای را دولتها بیش از ملتها دارند يك چنین وظایفی را دولتها بیشتر از مردم دارند متأسفانه در گذشته جز این بوده بودجه به این مسائل مطلقاً پیوسته است بنابراین اینستیکه از يك مواردی دیگر و در يك بحث و گفتگویی دیگر ما باید همه مسائل خودمان خاصه مسئله بودجه را بررسی کنیم، کما اینکه خود شیخانه آنچه را که باید عرض کنم میبینم که بهر حال تنظیم کنندگان بودجه در سمت این تلاش و کوشش بوده اند من وقتی دیدم لایحه بودجه و منضم به این لایحه بودجه چهار جلد کتاب است و در فصول مختلف این کتابها بهر حال از نظر تنظیم کنندگان بودجه بحث و بررسی صورت گرفته آن مسائل و مطالبی را که آنها در اجرای بودجه میخواهند بيك وضع نسبتاً مشخصی نشان داده اند و واقعاً از اینجهت احساس يك خوشحالی بسیار کردم (احسنت) که این کوششها و تلاشها بهر حال يك نوع نظم و انضباطی دادند نمیگردد و به این مسائل توجه میشود و حداقل اگر به آن کیفیت که باید و شاید مورد

عقیده ما است در موردی توجه نشده یا اعلام نشده ولی این گوش در این سمت کاملاً بوده و هست و بودجه در این مدار بررسی شده و من در همینجا الا اینجهت کاملاً سیاستگزاری میکنم و جای خوشنودی بسیار هست و خود من برای بیان این مطالب برای اینکه نظریات و عقاید گروه پارلمانی یان ایرانست را اعلام بکنم بهر حال از نحوه تنظیم بودجه (البته بیشتر منظورم بخصوص کتابهای چهار خلدی منضم به بودجه است) نهایت استفاده را کردم (صدری کیوان - دلیل شمولیت بودجه است) از نظر بودجه نویسی عرض کردم که تلاش شده است دیگر موارد و فصولش بستگی دارد به اختلاف نظر به اهداف و آن اهدافی که نظر ما است و در واقع جای این دارد که مطرح شود در يك موردی ما نظر دیگری داریم و شاید در بسیاری از موارد ولی اینها اختلاف نظرها است که گروههای سیاسی و احزاب سیاسی نسبت به روشهای مختلف کار دارند و اغلب این اختلاف نظرها صرفاً ناشی از روشها است و این روشها است که شاید خودش بودجه را بیان میکند پس بدیهی است بحث و بررسی که ما میکنیم از نظر این اختلاف نظرها است که امیدواریم در این بررسیها دولت و حزب اکثریت نسبت به این مسائلی که بیان میکنم هماهنگ بشوند و اعمال و اجرای روشها را در نظر بگیرند پس این يك بحث و بررسی کلی در باره نحوه تنظیم بودجه است اما رسیدگی بودجه هم از این قاعده کلی مستثنی نباید باشد حداقل وقتی تنظیم کنندگان و تقدیم کنندگان بودجه این زحمت را متحمل میشوند که بودجه ای را بر اساس این اصول بایک تلاش و کوششی تنظیم بکنند و تقدیم میکنند بمجلس شورای ملی و افعلاً مجلس هم باید بزرگواران این اصول يك رسیدگی و بررسی دقیق و عمیق بکند و يك گله کوچکی را عرض کنم بدین جهت است که گزارش کمیسیون بودجه مجلس در واقع از نظر این اصلی که عرض کردم مرا بعنوان يك نماینده مجلس شورای ملی راضی نکردم من باب نظری که کمیسیون داد و انتظار يك بررسی دقیقتر يك گزارش منسوط تر منتهی آن اعداد و ارقام را داشتم و اینکه رقم آن سمتش آنطور

میخواند و این سمتش اینطور این دیگر متناسب شرایط این زمان و متناسب با کار بودجه نویسی نیست کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی باید بنشیند بررسی بکند که اصولاً با توجه به سیاست اقتصادی دولت و با توجه به همین لایحه برنامه عمرانی چهارم که همین دیروز از مجلس شورای ملی گذشت آیا اصول و مواد این بودجه با آن اصول تطبیق میکنند یا نمیکند کمیسیون بودجه باید بررسی بکند که آیا این میزان سرمایه گذاری در این قسمت متناسب با این هدفهاییکه اعلام کرده اند هست یا نیست آیا در آن قسمت سرمایه گذاری بیشتری از نظر مملکت لازم بوده یا لازم نبوده یعنی کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی در نتیجه باید سینه این اعداد را میشکافت باید سینه ستونهای بودجه را میشکافت باید قائل اینکها ما اینجا سخن بگوئیم کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی آن سخنهای نهفته در شکم اعداد را بیان میکرد و یکش گزارشی که کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی به پیشگاه مجلس میداد با این اهمیت و در این سطح از بررسی دقیق و عمیق بود که اگر با گزارشهای دوره های قبل مجلس شورای ملی یعنی با آن دوره هاییکه بهر حال بودجه هایی با چهار جلد کتاب ضمیمه ما داده نمیشد بررسی میکنیم مبینیم تقریباً شبیه آن گزارشها است ظاهراً مثل اینکه بررسی درباره بودجه در کمیسیون شاید علت و سبب این باشد که فرصت تنگ بوده ولی بهر حال من امیدوارم که بکروز این مجلس از داستان این تنگی وقت و ضیق وقت خلاصی پیدا کند و يك زمانی برسد که افعلاً با يك فرصت کامل کمیسیونها و بهر حال مجلس شورای ملی این لوائح مختلف را و بخصوص لوائح اساسی را مورد بحث و بررسی قرار بدهد من فکر میکنم یکی داستانهای ادوار مختلف قوه مقننه این بوده که با برای لوائح دولتها یا برای لوائح مربوط به برنامهها یا برای لوائح مربوط به بودجهها مدام مجلس دچار يك ضیق وقت بوده البته وقتی افعلاً اینتهمه کوشش و تلاش دائم صورت بگیرد آقای دکتر کاظم زاده که من کم کم از ادم بشه دارد زیاد میشود که يك بودجه ای با چهار جلد کتاب منضم بوده و شاید چند ماه بررسی شده

بنظوری باشد که بازه آنچه که بمجلس داده شده شود یک ماه زودتر داده بشود که آنوقت کمیسیون بودجه واقفاً این فرصت را داشته باشد که این بررسی دقیق را بکند، فرصت داشته باشد که از آن مدار بررسی کند نه اینکه فقط عبارت از این باشد که ستون چپ با ستون راست میخواند و اعلام هم به این کیفیت هست و این نکته ای را که میخواستم عرض کنم و جناب آقای فضائلی در جلسه گذشته متذکر شدند اینست که من از این جهت البته به نحوه تنظیم بودجه ایرادی دارم که عرض میکنم و این مسئله بودجه متعادل است خیلی خوب گفتند و همینطور است اصولاً این داستان داستان کهنه ای است، بودجه متعادل به این معنا صحبت از يك بودجه مفید باید کرد یعنی ممکن است يك روزی دولتی بودجه ای بیاورد که تمام هزینه های لازم را دارد و به ملت اعلام میکند که بدانید این هزینه ها باید بشود ولی يك میلیارد تومان هم کسر بودجه داریم اما باید این هزینه ها بشود (دکتر خزائلی - هم متعادل هم مفید بعضی هر دو باشد که بد نیست و این يك مسئله روانی است) چه بهتر این است که به این کیفیت یعنی این هم يك مقدار در واقع مسئله ای بود مربوط به همان امر بودجه نویسی در ادوار گذشته که بلد کوشش شده دستش متعادل و بعد هم بررسی میشد که این دو سمتش با هم میخواند یا نمیخواند و بعد هم يك گزارشی مبنی بر این امر ولی من واقفاً وقتی این چهار جلد کتاب را با وقت بررسی کردم دیدم حداقل در این قسمت تلاش شاید تقدیر صورت گرفته که آن ضوابط کهنه شکسته بشود و بهر حال مبینیم بایک جسارتی آن موارد و اقلام را از کر کرده همانها که من حالا ایراد خواهم کرد برخی از مواردش را ولی این شایدان توجه است، این نحوه نحوه درستی است از نظر بودجه نویسی و توجه بودجه این است که با توجه به این جهات و گذشته از آن اندک کله ای که از کمیسیون عزیز بودجه (اخلاقی - عزیز یعنی چه) عزیز یعنی گرامی جناب آقای احمدی این خیلی تقیل بود که تعریف کنم (ضیاء احمدی - بنده نکفتم آقای اخلاقی فرمودند) آقای احمدی جناب آقای که دبیر هستید (ضیاء احمدی اشکالی ندارد) چون فکر کردم برایشان نکته ایست

خواستم توضیح بدهم و بخود اجازه دادم که معنی کنم که منظور کمیسیون گرامی بوده است، بهر حال فکر می کنم مطمئناً به علت ضیق وقت بوده است (مرضوی - بنده بعد توضیح خواهم داد اینطور نیست) متشکرم اما با این تفصیلی که درباره بودجه شد و اینکه عرض شد الزاماً ضرورتی ندارد که ماهنوز فکر کنیم که بآن کیفیت سابق بگوئیم بودجه متعادل است من از این رقم ۱۸۰۴ بر حسب میلیون ریال که بعنوان صرفه جوئیهای ضمن اجرای بودجه منظور شده هر چه کوشش کردم چیزی متوجه نشدم زیرا صرفه جوئی يك حدودی دارد یا قابل پیش بینی هست یا قابل پیش بینی نیست اگر بشود قابل پیش بینی باشد که يك چنین رقمی را بطور منجز نشان بدهد چه لزومی دارد که آنرا اصلاً در اقلام هزینه کرد چرا حذف نکردند یعنی اینطور اطمینان هست که با اندازه این رقم صرفه جوئی خواهد شد زیرا با این صرفه جوئی است که بودجه متعادل میشود قبلاً هم این عقیده را عرض کردم که بهیچ وجه اعتقاد به آن بودجه متعادل بآن معنی ندارم این نظر من است اما حال اگر ذکر شده است که این صرفه جوئیها بطور قطع صورت میگیرد بنا بر این مراد این هست اینطور استنباط میشود که این هزینه ها انجام نخواهد شد، صرفه جوئی یعنی در هزینه خوب اگر این صرفه جوئی میشود که صورت بگیرد به چه مناسبت این صرفه جوئیها را در ستون هزینه ها ذکر کردند باید قبل حذف میشد از هزینه ها البته اینجا اقلام دیگری مبینیم اقلام مربوط بنفت ارقام مربوط به اعتبار طرحهای مستمر عمرانی که البته بجای خودش درست که هیچ حرفی ندارد الا اینکه همانطور که بررسی شد و جناب آقای نخست وزیر هم بیان فرمودند هر چه زودتر طوری شود که ما آنچه را که از منبع سرمایه ملی مان یعنی نفت میگیریم برای مخارج عادی مملکت منتقل بشود برای سرمایه گذاری برای برنامه های عمرانی و اما حال نسبت به فصول مختلف این بودجه بررسی و رسیدگی میکنیم یعنی بررسی میکنیم، رسیدگی که با مجلس شورای ملی است، فوراً ایراد گرفته نشود، ما بررسی میکنیم و بعد آن رأی که

مجلس میدهد رسیدگی است اما بهر حال این بررسی که صورت میگردد همکاران گرامی منطبق است بر اصول و ضوابطی که عرض کردم یعنی دقیقاً منطبق است بر آن اصولی که عرض کردم باید برای تنظیم بودجه رعایت شود آن اصولی که برای شناخت روشها و سیاست کار که در شکم بودجه مستتر است بکار برده شود آن هدفهای اجتماعی که از اعمال این روشها و سیاستها که در شکم بودجه مستتر است باید به آن هدفها و سیاستها برسیم از این جهات است که در واقع روشها و سیاستهاییکه در بودجه ۱۳۴۷ که دولت تقدیم مجلس شورای ملی کرده است مستتر است در آن باره با توجه بفصول و جهات مختلف بحث و بررسی میکنیم پس الآن یکبار هم اینجاست که دیگر کار همکاران جراح را باید انجام داد یعنی کالبد این اعداد و فصول را خواهیم شکافت، محتوی این فصول و اعداد را بیرون میکشیم و مورد بررسی قرار میدهیم و خواهیم دید که بهر حال چه ایراداتی از نظر ما نسبت به این محتویها وجود دارد و چون کارها و چنین عادت کردیم که صرفاً يك روش انتقادی محض نداشته باشیم یعنی وقتی در مقام انتقاد و ایراد به امری یا روشی برآمدمد در برابر آن هم بیان کنیم که چه باید بشود و آنچه خواهیم کرد. این درست نیست که يك فرد، يك گروه یا سازمانی یا يك نماینده یا يك روزنامه نویس فرقی نمیکند هر کس که سخنی میگوید یا کلمه‌های زاوی کاذب میآورد یعنی نقشنش بیان انتقاد یا بقیه دیگر عیب جوئی باشد انتقاد باید يك انتقاد سازنده باشد، باید انتقاد خلاق باشد یعنی واقعا باید با خود ریشه‌ها و مبانی استدلالش را داشته باشد و بعد هم در برابرش راه حلها را بکشد برای اش ابراز میشود داشته باشد اگر سوای این باشد انتقاد نیست بلکه يك نوع خود خواهی فردی یا خود بینی سیاسی است به این مناسبت است که واقعا طی بیست و پنج سال مبارزه سیاسی که ما داشتیم همواره این اصل را محترم شمرده‌ایم و یکبار هم عرض کردم که هیچگاه عقیده نداشته‌ایم که سخنی خوب فقط آن چیزی است که ما میگوییم سخن خوب را هر کس بگوید خوب است و او را نایند میکنیم مبارزه درست را هر کس مطرح کند او را تقویت میکنیم و در

راه يك امر ضحیح اجتماعی هر کس اندک تلاشی میکند تا آنجا که بتوان داشته باشیم او را باری خواهیم کرد و بحثها و بررسی های خود را از این نقطه نظر مطرح میکنیم و با این سنجش عنوان میکنیم بنا بر این دوستان گرامی (البته چنین رویه‌های نادرند نیست) خواهش میکنم وقتی يك مطالبی را حداقل مثبت تذکر بخودمان یعنی تذکر بگروه پارلمانی بان ابرائیت عرض میکنم فوراً بعضی از دوستان جبهه بگیرند و فوراً در واقع بسک تذکراتی که حاکی از مخالفت قبل از داوری باشد بیان نفرمایند زیرا بسیاری از مطالب که مطرح میشود و بررسی میشود ممکن است مطالب مورد نظر همکاران باشد یعنی همه هم آهنگ باشیم و همه معتقد بیک روشهایی بشویم که در نتیجه بهتر منشا اثر بشود کوششها بماند تا این از این نظر است که بررسی میشود چون دیروز هم جناب آقای هوبدا فرمودند که پزشکپور نوید داده است که فردا سخن طولانی خواهد گفت و او هم در انتقاد بد طولانی دادولی هیچوقت اینطور نیست انتقاد بمعنای محض نیست شاید به این روحیه و خصصه ما جناب آقای هوبدا بخوبی آشنا باشند اما بمعنای بیان نظر رانی است بمعنای بیان نظریات و عقاید يك حزب و نهضتی است نسبت به مسائل اجتماعی، بمعنی بررسیهای دقیقی است که يك حزبی که دارای مبادی و اصول خاصی است نسبت به مسائل مملکتی میکند پس درباره این لایحه مطالبی هست که در این زمینه شاید بتفصیل عرض شود اولین و مهمترین قسمت که در بودجه سال ۱۳۴۷ و کتابهای منضم به آن منعکس است، و اصولاً در بودجه هر دولتی باید منعکس باشد سیاست کرد آوری در آمد آن بودجه است، این از مهمترین مسائلی است که در هر بودجه‌ای باید مورد نظر قرار بگیرد زیرا آن روشها و آن تمهیدات و آن طرفی را که يك دولت، فیرق نمیکند حتی هر سازمان و تشکیلات برای تأمین درآمد خودش در پیش میگیرد و مقدار زیادی روابط اجتماعی را که تنظیم کنندگان و تقدیم کنندگان لایحه به آن معتقد هستند و نحوه روابط را که باید بین گروههای مختلف اجتماعی وجود داشته باشد مشخص میکنند بنا بر این مهمترین قسمتی که باید مورد

بررسی دقیق قرار بگیرد مسئله سیاست مندرج و منعکس در بودجه برای کرد آوری در آمد هست، در این قسمت هست که بحثها و سخنهای اساسی مرتبط با اصول بسیار مهم اجتماعی مطرح میشود و در این خصوص هست که گروههای مختلف، احزاب گوناگون نیستند اما مورد مختلف اجتماعی اختلاف نظر پیدا میکنند در این مورد هست که نسبت به مسائلی که با کلیه امور اجتماعی مرتبط است بحث های گوناگون مطرح میشود پس باید سیاست کرد آوری در آمد را که در بودجه منعکس شده است از این نظر مورد بررسی قرار داد زیرا اینجاست که روشها مشخص میشود و آنوقت مشخص میشود آیا يك روش را میباید تأیید کرد یا نباید تأیید کرد آنجاست که مشخص میشود نفرضاً اگر حزب اکثریت معتقد به يك روشهایی در يك موردی هستند چرا حزب بان ابرائیت معتقد به آن روشها نیستند آنجاست که آن موارد اختلاف و نظر در مورد روشهای داخلی و نسبت به امور مختلف مشخص میشود پس همکاران گرامی این بحث و بررسی که من نسبت به فصول مختلف بودجه بخصوص در مورد روشهای کرد آوری در آمد بودجه دارم و البته هر گاه نسبت بیک قسمتی اشاره ای نکردم و بررسی نشد در اینجا یعنی که نسبت به آن قسمت اختلاف نظر نداریم این را عرض کنم بنا بر این من باب این نیست که بگوئید خیلی خوب چرا اینجا فقط آن قسمتی را که اختلاف نظر دارید میگوئید چون اصولاً شأن مجلس این است و شأن نماینده بان ابرائیت و با احزاب دیگر اگر احیاناً اکثریت هم در يك مواردی اختلاف نظر داشته باشد این موارد را بیان میکنند اما بهر حال این را عرض کنم آن مواردی را که ما ذکر نکنیم یعنی اینجا ذکر نکنیم مواردی است که به آن کیفیت که در بودجه بود است مورد ابراد بوده از نظر ما، آنچه را که مورد ابراد هست، آنچه را که حائز يك آثار مهمی هست که بطور قطع باید از نظر آینده ملت ایران، از نظر برنامه های اجتماعی ملت ایران از نظر نقش سازندگی نظم انقلاب جامعه ایرانی مورد توجه و تذکر و بحث و مذاقه قرار بگیرد بحث خواهیم کرد و این نطقه ای که بصورت بسیار چشمگیر و شاخص در بودجه بخشم میخورد در سیاست در آمد بودجه مسئله بسیار مهم مالیات است و همینطور که ملاحظه میفرمائید يك انکاء

خاص و سنگینی ستون در آمد بودجه بر مالیاتهای غیر مستقیم دارد (صحیح است) و تقریباً حجم مالیاتهای غیر مستقیم سه برابر مالیاتهای مستقیم است (اندکی کمتر) بطور کلی میتوان گفت در این قسمت سیاست روش کار تنظیم کنندگان بودجه دولت این بوده است که هر چه بیشتر از طریق مالیاتهای غیر مستقیم تأمین در آمد بشود و همین این سیاست هم لایحه تمام بودجه بود که چند جلسه گذشته به مجلس شورای ملی آورده شد و نسبت به مواردی که بخصوص برخی از آن موارد آنچنان جزو مباحثات عمومی است آنچنان مرتبط است با امور اجتماعی ما توسعه فرهنگی و اقتصادی ما که حتی دولت باید خود آن موارد را تهیه بکند و مجاناً در اختیار مردم بگذارد در همان جلسه موردی را عرض کردم، مورد رادبو، و عرض کردم که رادبو دیگر جنبه فنی و لوکس ندارد رادبو وسیله آموزش است (صحیح است) و همانطور که دولت برای روستاها سیاهی دانش میفرستد همانطور که سیاهی بهداشت میفرستد بر روستاها بطور قطع مسئله اینکه نوی هر خانه روستایی باید يك رادبو وجود داشته باشد جزء يك چنین برنامه‌های است هم آهنگ يك چنین برنامه‌های است و حداقل این بصورت يك نیاز همگانی در آمد مواز این نیاز همگانی نباید به این کیفیت مالیاتی گرفته بشود و حداقل وقتی به فضل مربوط به این مالیاتهای غیر مستقیم مراجعه بفرمائید عنایت خواهید فرمود که چطور قیمت اعظم این ارقام قسمت اعظم مالیات که گرفته میشود مربوط است با آن اموری که مرتبط است با آن مواردی که مرتبط است با آن عواملی که ارتباط محض و انصراف نایب بر سایر نامههای تولیدی بر نامههای اقتصادی و برنامه‌های همگانی ما در سطح وسیع مملکتی بخصوص در سطح وسیع روستاها دارد که گذاردن هر نوع بار سنگین روی این موارد تعیین کردن مالیاتهای برای این موارد تماماً جز این نتیجه‌ای نخواهد داشت که آنطوریکه شاید باید از این عوامل از این برنامه‌های بزرگ توسعه صنعتی و اقتصادی استفاده لازم صورت نگیرد بنا بر این اولاً این سنگینی و فشار بیش از حدی که در زدیف ۲۰۰ که مربوط است به مالیاتهای غیر مستقیم بیش بینی شده يك فشار و يك تحمیل بیش از حد لازم به اکثریت قریب به اتفاق مردم است (صحیح است) باز مورد دیگری را عرض میکنم که

در همان لایحه متمم بودجه سال ۴۶ آورده شده بود اینجا بحث شده مسئله مالیاتی بود که در مورد مکالمات تلفن گذاشته شده بود یکی از آقایان فرمودند آنکس که روی میز تلفن هست و از این وسیله تفننی استفاده میکند مکلف است که مالیاتش را بپردازد ولی فکر میکنم همگی و حتی واقفاً تنظیم کنندگان لایحه به این مسئله معترضند که دیگر تلفن یک وسیله تفننی نیست بلکه یک وسیله عمومی و همگانی است یک وسیله برقراری ارتباط است یک وسیله است برای تماس و ارتباط مردم با یکدیگر و حتی برای اینکه این ارتباط هر چه زودتر باشد استفاده از این وسیله هر چه سهل تر و ساده تر باشد از مواردی است که باید کوشش شود با امکانات بیشتر و تسهیلات بیشتر در اختیار مردم گذاشته شود ولی متأسفانه نه تنها در این مورد بررسی و تمهیدی صورت نگرفت مواجه شدیم با اینکه مالیات بیشتری را از سخنگویان با تلفن، صحبت کنندگان با تلفن میخواهند و جهت تشحید ذهن آن همکار محترم عرض میکنم همانطور که عنایت فرمودند آن مالیات بهیچوجه مربوط به امتیاز تلفن نیست مربوط بمکالمه با تلفن است یعنی آنکس که می رود در یک مغازه یا یک باجه تلفن صحبت میکند این مالیات با او هم تحمیل میشود، این مالیات را او هم باید بپردازد و این درست نیست در یک چنین اموری که بخصوص مردم به هنگام نیاز مندیهای خودشان مراجعه میکنند یعنی موقعی می رود تلفن میکند که یک کار ضروری دارد و کثرت تلفن میکند موقعی می رود تلفن میکند که ناچار از این کار است تازه یک مالیات بیشتر باید بپردازد پس دولت کی باید حداقل وسایلی را برای مردم در نظر بگیرد؟ ما که میبینیم همینطور بشت سیزدهم تمام سازمانها هم امور هم وظایف سازمانهای دولتی بعنوان خدمات اختصاصی خدمات دولتی عنوان میشود و حق الزحمه هم میگیرند و این درست نیست و حالا عرض میکنم که اصولاً این روش کار از نظر نظم اجتماعی برای دولت برای بودجه مملکت آنچنان تأثیری ندارد ولی از نظری ایجاد نظامات طبقاتی نوین و اثرات غیر قابل انکار دارد که حالا در موارد مختلف در فصول مربوط به مالیاتهای نوین عرض خواهم کرد بنابراین بطور کلی بدلات لایحه بودجه و کتابهای منضم بودجه و ردیفهای ۱۰۰۰ که مربوط به مالیاتهای مستقیم است ۲۰۰ که مربوط به مالیاتهای غیر مستقیم است در این بودجه سال ۴۷

بصالح عمومی مملکت ما است مربوط به همگان است یک وقت مالیات وضع میکنند که اگر کسی ساختمان ده طبقه بسازد مکلف است اینقدر مالیات بدهد بسیار خوب دنده اش هم نرم باید بدهد اگر نداد بسازد ولی مسئله اینکه یک فرزند ملت ایران از تمام امکانات آموزشی باید برخوردار شود تنها مسئله آن فرزند نیست مسئله ملت ما است مسئله آینده ما است مسئله تمامیت موجودیت نژاد ایرانی است پس این دیگر مسئله فردی نیست من میخواهم این سؤال را بکنم آیا سربازان یک ملت مدافعین یک ملت وقتی بجهت آنها میروند وقتی کشته میشوند وقتی مازده میکنند وقتی شانه بشانه با دشمنان ملت مصاف میدهند شرطی دولت این کارها را انجام میدهد که بیایند در لای این خدمت یک وجهی بگیرند؟ اینطور نیست چرا اینطور نیست؟ چون این از اموری است که به تمامیت موجودی ملت ما مربوط است از اموری است که دولت ایجاد میشود بخاطر اینکه این امر را انجام دهد و بهمان دلیل که دولت ایجاد میشود بخاطر اینکه از مملکت دفاع کند دولت هم ایجاد میشود بخاطر اینکه وسیله آموزش و پرورش تلم فرزندان ملت را در تمام صنوف آماده و فراهم کند (صحیح است آفرین)، این یکی دیگر از وظایف دولت است، همین دلیل دولت ایجاد میشود برای اینکه فرزندان این ملت را سالم نگه دارد برای این ایجاد میشود که بر خورداری آنها از امر سلامت متنازیم این نباشد که آیا بتوانند پول بدهند یا ندهند، بسیاری از این موارد هست که ملاحظه خواهید نمود بعقیده من که به نحو عم انگیزی بصورت یک خدمات قابل معالوف عنوان شده و این درست نیست و مهمتر اینکه این بار سنگین مالیاتهای مستقیم با بررسی که ما کردیم نظراً معارض است با همان اصول و هدفهاییکه در لایحه برنامه چهارم مندرج است و مورد تصویب مجلس هم قرار گرفت (صحیح است) معارض بد آنهاست این ماده اول لایحه برنامه چهارم را ملاحظه بفرمائید در بند الف مدنی که تعیین شده افزایش قدرت تولید هست تسریع رشد اقتصادی از طریق افزایش قدرت تولید، این هدف برنامه چهارم است یعنی هدف برنامه ای است که ۴۸۰ میلیارد

از سرمایه ملی این مملکت که درآمد منابع نفتی باشد برای اجرای این هدف، برای رسیدن به این هدف خرج خواهد شد و بعد هم خواهیم دید که سیلی از این موارد با افزایش قدرت تولید تعارض دارد و این موجباتی که فراهم میشود نه تنها به این کیفیت بودجه و روشهای مندرج در بودجه، فراهم نمیکند بلکه در مواردی بصورت یک سد و مانع است و بخصوص که بدان نکته خوشبختانه دولت انکاء دارد جناب آقای نخست وزیر فرمودند و این روش درستی است که آنچه باید این برنامه را اجراء کند تنها اعتبار ریالی نیست آن اعتبار نیروهای انسانی است آن مردم ایران هستند پس باید روش هایی در نظر گرفته شود که امکان بحرکت آمدن آن نیروهای انسانی در این میدان کوشش های اقتصادی و اجتماعی فراهم شود باید روشهایی در پیش گرفته شود که این فرصت را بدهند این امکان را بدهند که نیروهای اجتماعی از هر جهت بحرکت در آید از چه جهاتی باید بحرکت در آید؟ از نظر فکری از نظر اندیشه از نظر اعتقاد به برنامه هایی که اجراء میشود باید عمیقاً حس کند این برنامه ها کاملاً منطبق با یکایک آنهاست این آن امر مهم است از آن نظر که باید کاملاً احساس کنند که این برنامه ها بخاطر توسعه و رفاه از نظر یک دید انفرادی رفاه زندگی آنهاست این موضوع را فوراً عرض کنم بهیچوجه ما باین عقیده نیستیم یعنی امور اجتماعی را برنامه های ملی و اجتماعی راهر گزینگی به انگیزه های رفاه اجتماعی فردی نمیکنیم اما روش هایی که در پیش گرفته میشود باید به کیفیتی باشد که مردم را توده های مردم را در آن برنامه ملی و اجتماعی شرکت بدهد، حقیقت این است من اینطور فکر میکنم یعنی اینطور استنباط میشود که وقتی کسی احساس میکند که این تلفنی را که تا دیروز صحبت میکرد این را باید یک مبلغ زیادتری بدهد اولین احساس که برایش پیدا میشود احساس این است که یک تکمیلی با او شده، دیروز با دوستان صحبت بود در خصوص شرکت واحد اتوبوسرانی البته در مورد این شرکت واحد اتوبوسرانی مثل کشورهای دیگر قسمت ها و سازمانهای دیگری که ما داریم همه دارند ولی یک نکته را بررسی کردیم و آن این بود که

واقعاً باید بطور قطع آن ایراد و معایب که هست بطور قطع باید برطرف بشود ولی بهترین روش این بوده است که شرکت واحد اتوبوسرانی باید توسط خود دولت اداره بشود چون فکر کردیم اگر در اختیار سایرین بود تاکنون این بلیط دوربال، پنج ریال شده بود ولی اگر قرار بشود که خود دولت هم اینکار را بکند دیگر آنوقت احساس تحمیل را آن احساس بهر حال فشار سنگین تر را این مردم این توده های مردم، فشرهای کوناگون اجتماع که با این امور ارتباط دارند و واقعاً فعالیت و کوشش آنهاست که باید این برنامه ها را اجرا بکنند باید گفت این نظر که هست تأمین نخواهد شد بهر حال سیاست انکاج چشم گیر و بیش از حد لازم بودجه بر مالیاتهای غیر مستقیم روشی است که مورد ایراد و اعتراض ما در این بودجه هست عرض کردم که از دو جهت مغایر است این روش با اصول هدف های مذکوره در برنامه چهارم یکی از نظر مسأله افزایش تولید بود که بعدها در قسمت دیگری دقیق تر این موضوع را توضیح خواهم داد موضوع دیگر از نظر هدفی است که در بند ماده اول لایحه برنامه عمرانی چهارم ذکر شده است که البته درست است که با پیشنهاد ما این قسمت ها اضافه شد ولی درست این قسمت ها مأخوذه از همان کتاب مابین بودجه چهارم هست که خوشبختانه طرز فکر تنظیم کنندگان لایحه هست و من از این نظر تعجب میکنم چطور آقای دکتر کاظم زاده که گویا در هنگام تنظیم لایحه برنامه چهارم دخالت داشتند و با بطور مؤثر دخالت داشتند چطور این لایحه بودجه را هم ایشان تنظیم فرمودند چطور اینجا دو شخصیت شدند ما این را شنیده بودیم ولی ندیده بودیم به این کیفیت است علی ایحال این قسمت ها را که عرض کردم قسمتهائی است که کاملاً در آن کتاب بسیار مؤثر و مفیدی که واقعاً زحمت شایان ستایش کشیده شده بود واقعاً در مورد لایحه برنامه چهارم منعکس است و ما وقتی بررسی کردیم دیدیم هدفهایی که ذکر شده است در آن جا یک هدفهایی است که تا حد زیادی سمت برنامه چهارم را نشان بدهد بنابر این ما این تغییرات خیلی جزئی پیشنهاد کردیم بکمسیون که اینها را عیناً در ماده اول لایحه

قرار بدهد که خوشبختانه به این کیفیت شد اما هم بطور که ملاحظه میفرمائید در این قسمت برنامه بیست نکته اساسی انکاج کردند یعنی این را از هدفهای برنامه چهارم قرار دادند توجه همین نکته بود که ما دیدیم همکاران گرامی که برنامه چهارم از یک حالت باصلاح خشک و مطاق خارج شده و بصورت یک برنامه اجتماعی درآمد و این همین بود که ذکر کردند از هدف های برنامه چهارم این است که باید به کیفیت این اقدام صورت بگیرد کیفیت این وجهه خرج بشود و کیفیت این برنامه اجرا بشود که توزیع عادلانه صورت بگیرد و بخصوص در میان روستاهای این هدفی است که برنامه چهارم در پیش گرفته است توزیع عادلانه، من عرض میکنم که حالا در این جهت بودجه این انکاج فشار بیش از حد روی مالیات های غیر مستقیم و آن لایحه متمم بودجه سال ۴۶ این ها با این هدف برنامه چهارم نمیخواند (صحیح است) موجب توزیع عادلانه نیست که هیچ بلکه بجهتیکه عرض خواهم کرد موجب توزیع یک نوع تبعیض در قسمت های مختلف خواهد بود از آنجا که لایحه برنامه چهارم یک لایحه مهمی است ما بطور که در آن قسمت عرض کردم واقعاً میشود گفت بودجه پنجم است یعنی برابر ۵ سال تمام باید تمام نیروهای اجتماعی، سرمایه های ملی بخش خصوصی، بخش دولتی را طرق مختلف، از جهات مختلف دست بدست هم بدهند هم آهنگ با هم بشوند برای اینکه باین هدف ها برسند پس بدیهی است بودجه باید فصولش و روش هایش با این سیاست ها تطبیق بکنند من عرض میکنم که روش اخذ درآمد هر چه بیشتر از طریق مالیات های غیر مستقیم این هرگز در هیچ زمان در هیچ دوره ای روشی برای اعمال اصل توزیع عادلانه نبود (صحیح است) دلایل هم با خودش هست یعنی هر کس با این دلایل آشنا هست ضرورتی به توضیح و بسط مقال بیشتر از حد ندارد بخصوص یک قسمتی در این مالیات های غیر مستقیم که مالیاتهای غیر مستقیم است ولی مستقیماً از جیب دارد با عواملیکه در امر افزایش تولید، عواملیکه با نوجه طرح توسعه صنعتی و اقتصادی غیر قابل تردید دارد یعنی بآن اندازه ارتباط دارد که اگر این عوامل وجود نداشته

توسعه صنعتی و اقتصادی بآن کیفیت که مورد نظر هست میتواند صورت بگیرد این عوامل تمام عواملی است که هم سوخت معرفی میشود و نظر همکاران گرامی را، نظر خانمها و آقایان را من جلب میکنم به نکته ۹ از قسمت سوم این لایحه بودجه که شرح تفصیلی آن بدینال او هست همینطور که ملاحظه میفرمائید همچنان مالیاتهایی بر مواد سوخت هست، بنزین نفت سفید نفت کوره ها و نفت گاز و این عوامل سوخت عواملی است که البته همین جا اضافه میکنم عامل دیگری را یعنی نیروی سرق را، اینها عواملی است که در شرایط کنونی آنها مساوی ایجاد هر گونه دیگر کونی، ایجاد فریوع تحول و افزایش هر نوع قدرت تولید است یعنی انرژی بدون انکاج بر انرژی نه میشود روستاها را روشن کرد نه میشود یک چرخ کارگاهی را بچرخ در آورد نمیشود تکنیک را در حد لازم در روستاها توسعه داد نه میشود امور مربوط به بهداشت همگانی را اعمال و اجراء کرد اینها اموری است، اینها عواملی است که در قسمتی از این عوامل ما عقیده داریم دولت ها برای اجرای برنامه ها باید به کیفیت تنظیم بودجه کنند نباید به کیفیت اینها را در نظر بگیرند که بعضی از این عوامل در شرایطی حداقل تا زمان معینی مجاناً در اختیار مردم روستاها گذاشته بشود تا بشود این برنامه ها را اجراء کرد بطور قطع تا زمان معین حداقل جناب آقای مهندس، (اشاره به آقای مهندس روحانی) نیروی برق را بر روستاها نباید درخت نیروی برق را نباید مجاناً در اختیار روستاها قرار داد گذاریم خانه های آنها کانون های آنها مجله های آنها آنچه آنچه باغهای آنها مجاناً روشن بشود این اصل را نمیشود قبول کرد که اگر برق میخواهند پول بدهند در روستاها نیست نیست برق باید داشته باشند چون برنامه جامع ملی ایران ایجاد میکند که برق مجاناً بر روستاها بدهند و نمیشود از آن رسالت هابسی است یکی از آن مطالبی است که دولت ها بعهده دارند آنها نباید تأمین شده این خواست و این نیاز منزه با باشند البته مسأله در سطح قابل بحث است یکی در سطح عوامل و مراکز تولید است که لزوماً باید سرمایه گذاری زیادی درش

بشود یعنی کسی که میخواهد کارخانه ایجاد کند باید یک میلیون تومان حداقل خرج کند یا اگر عوامل و یا باگاههای تولید میخواهد ایجاد کند ناچار باید یک سرمایه گذاری بکند ایراد ندارد در یک چنین مسواری آنها باید برای عامل سوخت هم بپردازند اگر زیاد اضرار هست از طرف سازمانهای دولتی ولی ما چطور میتوانیم بالاخره روستائیان خود را، مناطق دور افتاده خود را با این امر به اصطلاح تکنولوژی آشنا کنیم صنایع را بفرستیم بدورترین نقاط، آنها را از قید سنت ها و روش های کهنه آسوده بکنیم هر گاه ما این مورد را در اختیارشان بگذاریم بسادگی برای ما آمده است که اضافه بر بهای مصرف برق در روستاها مبلغی بعنوان مخارج اولیه میگیرند یعنی ۳۵۰۰ الی ۸۰۰۰ ریال میگیرند من عرض میکنم نکته اساسی این است که ما وقتی سپاهی دانش بر روستاها فرستادیم مگر در برابرش از روستاها چیزی گرفتیم؟ نگرفتیم مگر سپاهی بهداشت که به روستاها میروند مگر در مقابله اش از روستائیان ما بازا میگیریم؟ من عرض میکنم که بعضی از این عوامل سوخت هست که از نظر انجام تحولات اجتماعی و اقتصادی از نظر موفق کردن انقلاب اجتماعی ایران حداقل همان اهمیت سپاهی بهداشت و سپاهی دانش را دارد یعنی فرستادن نیروی برق بر روستاها کمتر از آن نیست فرستادن انرژی بر روستاها کمتر از آن نیست همین دلیل است که دولت در برابر اصول انقلابی خودش را موظف میدانند که از بودجه عمومی سپاهی بهداشت را بر روستاها بفرستد همین دلیل جناب آقای مهندس روحانی اجرای امر انقلاب این است که شما خود را مسئول بدانید از برای اینکه نیرو را این چراغ برق را این روشنائی را بدل روستاها ببرید بدون اینکه از روستاها چیزی بگیرید (روحانی) - نمیشود باین روستاها فعالیت بکنند درآمد در نیابند از برق استفاده کنند خیر چرا نمیشود آقای روحانی؟ چون جناب آقای روحانی قرار بود نکته ای را بفرمایند و ندای معانی شد خیر جناب آقای روحانی کاملاً میشود یک وقتی اگر بخاطر نان باشد سالها قانون تعلیمات اجباری گذشته بود و دولتها آمدند و رفتند و مدام گفتند که نمیشود آقای روحانی

انقلاب اجتماعی ایران میدانید چه بود؟ مفهوم اساسی آن این بود که نگوئیم نمی‌شود و کارهایی شد (روحانی - مفت نباید داد) چرا مفت باید داد چرا، بروستائی مفت باید داد (روحانی - تعلیم و تربیت بله) علمی ایحال مسائلی است که عرض میکنم با دداشت دیگری آمده است جناب آقای مهندس روحانی که آب بروستاها مجانی بدهند برق پیشکش شان این با دداشت مثل اینکه از ردیف همکاران اکثریت بود (رضوی - از سوی اکثریت نبود) خوب چه ایراد دارد مگر از نظر اقتصادی با اکثریت در يك ردیف نیستیم هماهنگ نیستیم (رضوی - از نظر اقتصادی اکثریت صحیح نمیدانند) خوب چه عرض کنم آنرا بعد همکاران اکثریت خواهند فرمود بله عرض کنم که این يك مسئله بسیار اساسی است این قانون تعلیمات اجباری سالها بود و مدام اجرا نمی‌کردند و وقتی سؤال میکردید که چرا اجرا نمی‌کردید میگفتند نمیشود بعد اینقدر این نمیشود هارا گفتند که بجهت همین نمیشود شاهنشاه فرمان به انقلاب دادند (صحیح است) انقلاب انجام گرفت و بعد دیدیم که چه ساده میشود، بچه سادگی میشود گروهها گروه فرزندان با کدل ایرانی را بروستاها دور دست فرستاد، بچه سادگی میشود يك نظم شامخ و عالی را بنام سپاهی دانش به اقصی نقاط مملکت فرستاد بچه سادگی میشود در همین روستاها یکی فکر میکردند پای يك آموزگار نمی‌رسد و نیماست برسد سپاهی دانش رفت و با دیو جهل و اهریمن مبارزه کردند آقای روحانی میگفتند که صنایع سنگین نمیشود ایجاد کرد ۵۰ سال این داستان را میگفتند که نمیشود بخاطر جنابعالی هست بخوبی، اما ملاحظه فرمودید که چه ساده شد چرا شد؟ چون کوشش و تلاش صورت گرفت، معطوف به آن آرمانها من عرض میکنم که این مسائل، این عوامل سوخت این انرژی من حیث المجموع اینها از نظر يك بحث فنی و تکنیکی از نظر يك بحث اقتصادی بهیچوجه برای اجرای برنامه‌های توسعه صنعتی و اقتصادی برای پیروز کردن هر چه قطعی تر انقلاب اجتماعی ایران چون همانطور که عرض کردم هنوز انقلاب ما به بسیاری از هدفهای خود نرسیده که باید برسد بطور قطع باید این عوامل در بعضی

از موارد که بطور مجانی در اختیار روستاها و گروههای مختلف اجتماع قرار بگیرد در بعضی از موارد هم با مالین هر چه کمتر این کار باید بشود و من عقیده دارم این کار زمانی خواهد شد و مطمئناً این کار زمانی خواهد شد چون آن برنامه‌های بزرگ اجرا نخواهد شد مگر اینکه ما از این طریق عمل کنیم و این یکی از مهمترین موارد هست و من در انتظار این هستم یک روزی و این خواهد شد بودجه‌ای در این محیط مقدس مطرح میشود که در آن بودجه اعلام شود این موارد عوامل مهم سوخت و انرژی بطور مجانی در اختیار ملت ایران قرار خواهد گرفت (انشاءالله) و این خواهد شد و آنوقت است که مانع نیروهای اجتماعی را همه نیروهای اقتصادی را همه نیروها را هماهنگ کردیم برای اینکه بصورت پیشرفته ترین اجتماع از جهات مختلف در بیاییم و در آن راه هستیم این مواردی است که برای رسیدن به آن راه باید در نظر گرفت این مواردی است که بعقیده ما از عواملی است که نخواهد گذارد قدرت تولید هر چه بیشتر افزایش پیدا کند یعنی نخواهد گذارد که آن هدفیکه در بنادول ماده اول لایحه برنامه چهارم به آن اشاره شده برسیم حالا ملاحظه میفرمائید آقای دکتر المونی که من اصرار داشتم که این هدفها باید در لایحه برنامه چهارم بیاید برای این است که اینطور بشود (دکتر المونی - مسائل منطقی بود کمیسیون هم قبول کرد) واقعا نسبت به مسائل اساسی برسیهائی کرد موضوع گذشته از جنبه محض اقتصادی آقایان این عامل سوخت در توسعه فرهنگی اثرات اجتناب ناپذیر دارد و بطور قطع هنگامیکه از این نظر مسائل اجتماعی را بررسی میکنیم باید که مورد عامل سوخت و انرژی را در نظر بگیریم. تاریخ بشر، تاریخ تمدن بشر داستانش غالباً اینطور شروع میشود که این روشنائی با این آتش در چه موقعی پیدا شد و این داستان بسیار ابتدائی که هر ملتی بنا بسببتهای خودش بنا بداستباهای تاریخی و اساطیری خودش بنک مضمون و مفهومی را از این موضوع دارد باز گو کنند این مسئله است در شاهنامه میبینید که فردوسی هوشنگ را پیدا میکند که اوزن و موقعیکه میخواست سرماز را بسنگ بکوبد این نمائنده

هر بین و زشتی را، آتش درخشید و تمدن شروع شد ارتباط بسیاری دارد و همینگونه در نخله‌ها در روستاها در مذاهب مختلف ملاحظه میفرمائید یکنوع اهمیت خاصی بنور میدهند این برای این است که يك چنین پیوندی با زندگی مردم دارد با فرهنگ بشری دارد با فلسفه با تمدن با صنایع و با اقتصاد دارد، ملتها هر زمان با يك کیفیت، بعد با آنوقت رسیدند که چراغهای موشی را روشن میکردند از همین بود مطمئناً هیچجا نمیشد مکتب خانه درست کرد الا اینکه يك چراغ موشی آنجا روشن باشد هر چند که تکنيک جلو تر رفت، اهمیت و ارتباط این روشنائی و علامت سوخت با برنامه‌های اقتصادی و صنعتی و فرهنگی بیشترند بخصوص با برنامه‌های فرهنگی خاصه حالا که با برنامه‌های آموزشی میبینیم که تغییراتی حاصل شده و استگه فرستنده ناولیزون آموزشی هم دایر شده میدانم اگر این برق را بروستاها نبریم اگر این برق را بجای در اختیار روستاها قرار ندهیم ما چگونه میتوانیم آنها را از این نعمات برخوردار بکنیم؟ چگونه خواهیم توانست برخوردار کنیم آنها را از این تحولات؟ آیا این روشها تسبب نمیشود که ما آلا روستاها با کسروهائی از اجتماع از این نعمات تمدن و برنامه‌های پیشرفته ما محروم باشند؟ مسلماً نتیجه‌اش این خواهد بود علی ایحال حداقل این است که یکی از برنامه‌های اصولی و بسیار مهم ملی از نظر حزب پان ایرانیست این است که عوامل سوخت تا آنجا که مقدور هست بخصوص در شرایط کنونی بطور مجانی در اختیار قشرهائی از اجتماع و خاصه روستاها و مناطق دور دست گذارده بشود. موضوع دیگر این موضوع افزایش ۵ درصد است بمنظور جایزه صدور برای کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات صنعتی این چنین مالیاتیکه به این منظور نسبت به تجهیزات صنعتی و سرمایه‌های کالاهای صادراتی گذارده میشود ما لا سبب خواهد شد که اینها يك افزایش بهیچوجه پیدا نکند و این افزایش بها موجب خواهد شد که مصنوعات و کالاهای صادراتی ما نتوانند آنطور که باید و شاید در بسک بازارهای رقابت کنند البته این فکر اندیشه بزرگی است اندیشه‌ای نه تنها در خور ستایش است بلکه باید توسعه

بیشتری هم پیدا بکند ولی نکته ای را که عرض میکنم این است که باید منابع تأمین این اعتبار تغییر بکنند از منابع دیگری باید در نظر گرفته بشود (صحیح است) از جمله منابعی که در ستون درآمد بودجه پیش بینی شده درآمد مربوط به نفت هست که همانطور که عرض کردم امید است کوششها به آن مرحله و درجه برسد که ما این قسمت از درآمد منابع نفتی را هم مطلقاً برای سرمایه‌گذاریهای برنامه‌های عمرانی بگذاریم نکته دیگر که اینجا ذکر شده است و امیدوار کننده است و شایان توضیحات و مذاکراتی هست و کوششهای هر چه بیشتر را باید معطوف به آن کرد ردیف ۳۱۰۴ مربوط است به مالیات ماسخوزه از بابت فروش نفت خام توسط شرکت ملی نفت ایران اینکه يك چنین رقمی در بودجه دولت ایران آمده همکاران گرامی من بی اختیار احساس يك افتخار بزرگی میکنم زیرا گذشته از آنکه نافع از نهضت ملی شدن صنایع نفت در ایران و تا قبل از پیروزیهای ملت ایران و شاهنشاهی ایران در این زمینه قابل فرض نبود که در آن وضع سابق یک روزی بودجه‌ای ارائه بشود که یکی از رقمهای درآمد این بودجه مالیاتی باشد که بصندوق دولت واريز شده از بابت فروش نفت خیم توسط شرکت ملی نفت این رقم که امیدوارم در بودجه‌های بعدی حجم و گسترش خیلی بیشتری را پیدا بکند با خودش راز مبارزات ملت ایران راز کوششهای ملت ایران و بخصوص راز مبارزات چند سال اخیر شاهنشاهی ایران را برضد استعمار نفتی جهان دارد (صحیح است) این يك نکته بسیار مهمی است و از آن رقمهای قابل افتخار است یعنی از آن رقمهائی است که ما وقتی میرسیم با این رقم نباید فکر کنیم که ۱۰۹۰۱۰۰۰ تنها يك رقمی است نه این با خودش حکایت يك موجودیت بزرگ بک رستاخیز بزرگ يك پیروزی بزرگ و يك هدفهای بسیار بزرگی دارد (صحیح است) این از آن قبیل رقمهای گویاست که سخنهای بسیار دارد نکته‌ای را که در اینجا میجو ستم عرض کنم که در هنگام طرح و بحث لایحه چهارم هم عرض کردم این است که بخاطر هم هست یعنی بخاطر همه همکاران

هست که در يك موردی شاهنشاهی بهنگام معینی تحت کوشش های شرکت ملی نفت ایران باین نکته اشاره فرمودند که شرکت ملی نفت باید از نظر وضع و موقعیت همان از نیرومندترین و قوی ترین شرکت های مشابه خودش باشد (صحیح است) این اصل گفته آنها از نظر اقتصادی حائز توجه است بلکه از نظر موقعیت تاریخی ملت ایران مصالح تاریخی ملت ایران و بخصوص رسالتی که شاهنشاهی ایران از نظر انجام مبارزات ضد استعماری جهانی بعهده تاریخ حائز اهمیت است (صحیح است) مسأله ایکه وقتی نامانده مبارزات می آید می بینید و از منافعت میگردانید حجم نفت کسه از ما میخورد و رقمی کسه در برابرش میدهند مهم نیست میدانید چه مهم است؟ این مهم است که نفت ایران ببد بازارهای فروش رفت (صحیح است) این اهمیت دارد و این مهم است که انحصارها درهم شکسته شد (صحیح است) این مهم است که مبارزات ملی ما از جنبه يك مبارزات محض اقتصادی و منطقه ای و محلی تجاوز کرده و بصورت مبارزات پیروز در سطح جهانی درآمده است این مسأله مهم و این مسأله اساسی است که سمت و هدف ما از این جهت مشخص میکنند و دقیقاً باید تمام مقامات مسئول همه ملت ایران باین آمال بسیار مهم و اساسی توجه کنند و شما بخوبی میدانید، همه بخوبی میدانید که بسیاری از کارگشایی ها و توپنه ها که بیهودم فکر میکنند به نتیجه میرسد و میخواهند در امر مبارزه ملت ایران در امر جهش ملت ایران و رستخیز ملت ایران مانعی ایجاد کنند تنها از نظر وضع ماست بلکه باین خاطر است که استعمارگران جهانی از نظر پایگاههای جهانی نگرانند باین دلیل است که می بینید ملت ایران شاهنشاهی ایران رسالت تاریخی نژاد ایرانی بسیار دیگر انحصار بازارهای فروش نفت را در دست شکست (صحیح است) کشورهاییکه مثل ما در حال توسعه هستند و مثل ما خواهان يك زندگی دور از بردگی اقتصادی هستند بسوی خود فرامیخواند دست در دست آنها میگذارد و شاهنشاهی هم يك مبارزه هماهنگی را دنبال میکند همانطور که يك روز عرض کردم نفت، منابع نفتی ما برای ما متأسفانه بدست يك عده عوامل ناپاک يك نوع اسارت و بندگی آورده بود

بگذار این جنبش ها و کوشش ها و پیروزیها نفت برای ملت ایران پیروزیهای دیرین و ایضاً رسالت های تاریخی را خواهد آورد (صحیح است) و آنچه که در این راه هستیم هدفی را که در دستش هستیم این نکته مهم است حال در این نکته مهم، يك مسأله ای میخواهم اشاره کنم مسأله این است که رسالت ملی ایران نسبت به مسائل نفتی این است که نباید این بازارهای فروش در انحصار چند کمپانی باشد زیرا اگر به این کیفیت باشد ملت های صاحب منابع نفت بر استی صاحب منابع نفتی خودشان نخواهند بود زیرا اگر به این کیفیت باشد آنها ناچار هستند نفت خودشان را به آن بازاری بفروشند که این کارتل ها و این تراست های نفتی بخواهند به آن قسمی عرضه کنند که کارتل ها و تراست های نفتی می خواهند پس این مسأله کوشش ملت ایران و سیاست عمیق و دقیق شاهنشاهی ایران برای درهم شکستن انحصار بازارهای فروش نفت برای اینکه نفت را به بازارهای فروش عرضه کنند در واقع مکمل انقلاب ملی شدن نفت در کشور ما بوده و هست (صحیح است) یعنی آنچه آن مکملی است که بدون آن انقلاب نمیتواند بطور واضح پیروز و موفق باشد اما اجرایی با چنین امر مهم ایفای يك چنین رسالت بزرگ سازگاری صورت نخواهد گرفت این کمپانیها این جهانخواران نفت که عادت چنین داشته اند که منابع نفتی ملت ها را غارت کنند ملت ما در روی سر ما به های عظیم نفتی در فقر و مسکنت و بیماری بهمرند و آنها ثروت های اینها را غارت کنند و چپاول کنند در برابر يك چنین سیاست هائی میخواهند مقاومت کنند بسیاری از تحریکات و توپنهائی که در مناطق مختلف میشود آن دست های خیانت کاری که در خلیج فارس توپنهائی میکنند بخاطر و بگمان تجاوز به حقوق ملت ایران همانها هستند که نگران شده اند (صحیح است) پس ما با این مسائل روبرو خواهیم بود (بگفتار از نمایندگان - و موفق خواهیم شد) بدبھی است اما راه این موفقیت چیست؟ امروز ملت ایران قصد دارد موفقیت در تمام این مبارزات ملی را دارد اما راه این است که در اینجا ما باید به نکته ای اساسی اشاره بسکنیم این

اینکه اساسی را بارها اشاره کردیم آن اینست که سیدین ما به این بازارهای فروش عرضه کردن این مصنوعات و با کلاها و با مواد اولیه و مواد بازارهای فروش و انجام این مبارزه مهم ضد استعماری جهانی با تضمین مهم باید داشته شد آن تضمین این است که نفت ما را ناوگانهای نفتی ما نفت کش های ما به بازارهای فروش عرضه کنند (صحیح است) این است آن مسأله مهم این مسأله اینقدر مهم است که از انقلاب ملی شدن منابع نفتی ایران نه تنها نمیتواند جدا باشد بلکه امروز دیگر مرحله قطعی است که باید مرحله برسد تا آن رسیم مشخص است چرا باید برسیم وقتی مبارزات، کمی بیشتر گسترش پیدا کنند وقتی ما بازارهای فروش نفت بیشتر بردیم وقتی ما دست های ملت های دیگر را میتوانیم گرمتر و صمیمانه تر بفشریم ما نیاز داریم در این مناطق باجه کسانی زور و خواهیم بود ما نیاز داریم چه قدرت هائی مبارزه خواهیم داشت ما نیاز داریم در این مناطق باجه عواملی درگیر خواهیم شد مطمئناً همانهایی که نمیخواهند این بازارهای فروش را از دست بدهند همانها کسه میخواهند بازارهای فروش را در اختیار و انحصار خود داشته باشند که نفت ما را بدست بخش بگیرند و قیمت های گزاف به آنها بقر و بشند مطمئناً چنین است، نفت شاید در چنین مواقعی آنهایی که دارای وسایل نفتکش هستند آنهایی که دارای ناوگان هائی هستند که نفت را از روی دریا با کشتی بدهند و بازارهای فروش برسانند آنهایی که امور مربوط به عرضه و فروش نفت را در اختیار دارند آنها ممکن است در چنین شرایطی نگذارند حاضر نشاند که نفت ما بازارهای مختلف فروش عرضه بشود پس این است آن مسأله مهم، این است از اساس ترین مسائل ملی ما پس اوقتی که اینجا با کمال تغیر با احساس غرور هر چه بیشتر می بینیم که چنین نفتی در بوجه هست که آن ناشی از پیروزی ملت ایران در این مبارزه ملی است و در بیابیم که چه در گیری هائی در این مبارزه داریم در بیابیم که چه آینه های داریم در بیابیم که چه نقشه ای اساسی بعهده ما است باید آماده بشویم لزومی ندارد که ما آتوقتی فکر تجهیز بقیتم که خطر کاملاً ما را احاطه کرده باشد لزومی ندارد

که مقام بنا کسی که انحصار بفتح او صورت گرفته تلاش لازم را برای بهبود کالاهای خودش با خدمات خودش نمیکند یعنی خیالش راحت است از بابت اینکه بازاری در اختیارش هست و با نگاه به آن مقررات و موازین انحصاری يك مصنوعات یا خدماتی را عرضه میکنند که مصرف کنندگان ناچار بخریدش هستند این موضوع تا حد بیشتری گذشته از این قبیل انحصارها یک گاهی برای بخشهای خصوصی در نظر گرفته میشود برای انحصارهای دولتی بنحو بیشتری نمودار میشود بسیار تشکر میکنم از تذکر جناب آقای ریگی چون درست یکی از بخشهای مربوط به سخن من بود که فراموش کردم تذکر بدهم خیلی متشکرم که جنابعالی این توجه را بمن دادید و در این مورد مرقوم فرمودید که بعرض میرسانم، باید کوشش هر چه بیشتر صورت بگیرد که در واقع نفت خام ما بصورت مصنوعات نفتی تبدیل شود و به بازارهای مختلف عرضه شود که در این راه خوشبختانه گامهای بسیار بزرگ برداشته شد و پایه گذاری صنایع عظیم پتروشیمی يك گام پیروزی بخش و شایان افتخار است که در این راه برداشته شده و بطور قطع کوششهای وسیعتر و هر چه دقیقتر در این راه کمال اهمیت را دارد حتی یکبار یادم هست گزارشی را مطالعه میکردم که گویا آقای بهندیس رزم آرا تهیه کرده بودند از مسائل مربوط به مسائل پتروشیمی در آنجا در حدود ۴۰ یا بیشتر کلام معرفی شده بود که همه مآله اولیه اش مربوط به نفت بود و بطور قطع گسترش در این مورد برای ما يك منابع بسیاری را فراهم خواهد کرد که شاید از منابع نفت کمتر نباشد در خصوص این انحصارات دولتی اولاً کوشش صورت بگیرد برای اینکه اینها نسبت به بهتر کردن و مناسبتر کردن کالاها و خدمات خودشان فعالیت بیشتر و توجه بیشتری داشته باشند موارد مختلف دارد انحصاراتیکه هست انحصار دخانیات ایران با قسمتهای دیگر که اگر کوشش میکنند بسیاری از مشکلاتی که مربوط به این مسائل خواهد شد حل خواهند کرد و مسئله دیگر این است که چون انحصار در اختیار دولت هست پس بر قیمتی که میخواهند کالاها را مردم عرضه نکنند سعی شود که بطور مناسبتر و چون غالباً این کالاها مصنوعات جهانی

است که مورد نیاز اکثریت مردم هست این بررسی و این وقت بشود که واقعاً یا يك قیمت مناسب و عادلانه در اختیار مردم قرار بگیرد اما مسأله بسیار بسیار مهم که در مورد روشها و شیوههای درآمد بودجه اتخاذ شده قسمت مربوط به درآمد حاصله از خدمات دولت است که در اینجا این بشارت را عرض میکنم که نسبت به بعضی از قسمتها عریض ميسوط و نسبتاً مفصلی خواهیم داشت (چند نفر از نمایندگان: بفرمائید) جناب آقای رئیس هم مثل اینکه با يك نفس چند دقیقه ای موافقت نمیکند.

نایب رئیس - جنابعالی خسته شده اید؟

پزشکپور - در خدمتتان هستم اما در این خصوص نظر همکاران گرامی را بصفحه ۲۲ قسمت سوم از لایحه بودجه یعنی قسمت منضم بودجه جلب میکنم در خصوص بکرفمی که از آن زمانی که کشانی این مورد را در نظر گرفتند و همان زمان هم ما احساس عدم رضایت و اندوه بسیار عظیمی از این موضوع کردیم و من واقعاً استدعا دارم که بعد از این توضیحات دولت موافقت بفرمایند بر اینکه این رقم از ستون درآمد برداشته شود این رقمی است که در ردیف ۴۱۰۷ ذکر شده و آن فروش معافیت از خدمت و وظیفه است (صحیح است) خدمت و وظیفه امر مقدسی است فراهم کردن موجبات انجام خدمت و وظیفه برای تمام فرزندان ملت و وظیفه دولت است (صحیح است) یعنی باید این موجبات را فراهم کنند خدمت و وظیفه نباید بمانند تکلف از مقررات رانندگی باشد که با باید کسی برود یا اگر بخواهد برود پول بدهد (از سنجانی - اگر قانوناً معاف بشود) چنین قانونی نمیباشد باشد اگر معاف شد بدون اینکه پول از او بگیرد معافش کنید در برابرش پول نگیرید، احتیاجی نیست بگذارید برود در برابرش پول از او نگیرید (بکنفر از نمایندگان - در آینده اینطور نخواهد بود) به آینده کاری ندارم به این بودجه کار دارم این مسأله مربوط بحال نیست و متأسفانه در زمان و شرایطی که آمد که برخی عقیده داشتند این مملکت احتیاجی به ارتش ندارد (نمایندگان غلط کردند) عرض میکنم پس نباید این نکته اینجا باشد این را فکر میکنم همه همکاران با من

هم آهنگ باشند پس هر يك از ما اینکه عرض میکنم بهیچوجه مجامله نیست واقعاً آن زمانی که برای من امکان داشت که بروم بخدمت و وظیفه ولی بطور داوطلب رفتم بخدمت و وظیفه چون این را وظیفه میدانم هر کس عدو این ملت است باید پیرای مملکتش برای ارتش باشد یعنی ایران خدمت بکند (صحیح است) باید يك مدتی این خدمت را بکند تا همیشه آماده باشد برای خدمات بزرگی اصولاً فلسفه اش این است برای چه میرویم خدمت برای این میرویم که دولت احتیاج داشته باشد یعنی فلسفه اش این نیست که يك عده بیایند برای سازمانهایشان کار میکنند خدمت و وظیفه در آن مفهوم عمیق خودش عبارت از این است که فرزندان این ملت در سنینی بروند تعلیماتی را ببینند و ابسته سازمان دفاعی مملکت بشوند برای اینکه هنگام مقتضی دوشادوش هم وظایفشان را انجام بدهند چون میدانید کسی که میروید خدمت میکنند و بر میگردند دفترچه پایان خدمت به او میدهند بيك فتخاری میرسد و آن اینست که همواره سرباز و مبارز آماده سازمانهای دفاعی وطن خودش در هنگام لزوم هست من عرض میکنم اولاً دولت چرا و بچه حق این حق را از فرزندان ملت میگیرد این يك نوع تحمیل نیست که در آنها نگاهند پس شما نباید خیلی شاکر و سپاسگزار ما باشید چون این تحمیل را از عهده شما برداشتیم چون این خدمت را بشما کردیم در قبایل آن ما يك چیزی بدیدیم این همین است من عرض میکنم انجام خدمت و وظیفه يك موهبتی است که هر فرد ملت دارد اتفاقاً دولتها وظیفه دارند که موجباتی را فراهم کنند برای اینکه فرزندان ملت از این موهبت برخوردار بشوند حال شرایطی هست موجباتی هست که ممکن نیست این حق فرزندان ایران را به آنها داد ولی دیگر نباید که با وضع يك چنین مقرراتی ما اینطور توجه کنیم اینطور فکر کنیم که این يك نوع تکلیف شافی بوده که چون آنها را معاف کرده ایم يك مبلغی بپردازند این است که این موضوع مویبوع حالا نیست همان سالها تیکه این مسأله مطرح شده در همان سالها شدت به این موضوع اعتراض کردیم هر گاه که فرصتی پیدا کردیم این مورد ایراد ما بوده امروز این فرصت هست در حضور نمایندگان و هیئت

محترم دولت و امیدوار هستم که به این جهت موافقت بفرمائید این رقمی که بسیار کم هست این را مقایسه بفرمائید با رقمی که از جرائم مأخوذه از تخلفات رانندگی اخذ میشود ملاحظه بفرمائید خیلی کمتر است خواهش میکنم اجازة ندهید این رقم به این عنوان در صندوق دولت بیاید و همانطور که عرض کردم اگر حیثاً داوطلبان زائد بودند یعنی متأسفانه امکان این نبود که این مرحله از آموزشهای لازم را ببینند یا این مرحله از خدمت را انجام ندهند همینطور آزاد بشوند یعنی معاف بشوند از خدمت در قسمت مربوط به درآمدهای ناشی از خدمات سازمانهای دولتی که زیر عنوان درآمدهای ناشی از خدمات اختصاصی آورده شده است بيك مورد بسیار مهم و اساسی دیگری که این مورد اگر که حزب اکثریت بر همین نظر باشند حداقل از موارد اختلاف نظر حزب یان اینست و حزب اکثریت است در آن قبیل متواری است که متأسفانه این موضوع را مسا یکی از آن موارد مهمی میدانیم که بهرحال واقعاً يك انقلاب و تحول اساسی در شیوه و روش کار و بنا اجازه آقای عباس میرزائی که تشریف ندارند و بساخیل راحت میشود گفت سیستم کار این سازمانها و موردیکه عرض میکنم خواهد بود و آن عبارت است از ردیف ۳۰۶ در صفحه ۳۱ مربوط به هزینه مدارس و حق الثبت و حق ورزش است و این مورد بحث و مورد اختلاف نظر حداقل با این لایحه و باشیوه و طرز کار وزارت آموزش و پرورش نه با شخص جناب آقای دکتر هدایتی این مسئله نحوه آموزش طرز آموزش و يك نوع سیستم تبعیض آمیز طبقاتی است که در طرز آموزش پرورش کشور بوجود آمده (صحیح است) این یکی از مهمترین مسائلی است که هر گز از کنارش نمیشود گذشت و از مسائلی است که ما دقیقاً در بطن انقلاب شاه و مردم میدانیم و در نتیجه درست جایگاه بحث و بررسی همین اصول و موازین انقلاب شاه و مردم است یعنی انقلابی که انگیزه ایجاد این انقلاب برای در هم شکستن نظامات منسوخ طبقاتی است این انقلاب از نظر اجتماعی بوجود آمد از لحاظ اینکه بگوید هر فرد ایرانی بطور متساوی از حقوق و امکانات اجتماعی برخوردار هست روشها و اصولی که معارض با این اصل باشد واقعاً نمیتوان يك روشهای انقلابی شناخت با

که مقام با کسی که انحصار بفق او صورت گرفته تلاش لازم را برای بهبود کالاهای خودش یا خدمات خودش نمیکند یعنی خیالش راحت است از بابت اینکه بازاری در اختیارش هست و با آنکه به آن مقررات و موازین انحصاری يك مصنوعات یا خدماتی را عرضه میکنند که مصرف کنندگان ناچار بخرند هستند این موضوع تا حد بیشتری گذشته از این قبیل انحصارهایی که گاهی برای بخشهای خصوصی در نظر گرفته میشود برای انحصارهای دولتی بنحو بیشتری نمودار میشود بسیار تشکر میکنم از تذکر جناب آقای ریگی چون درست یکی از بخشهای مربوط به سخن من بود که فراموش کردم تذکر بدهم خیلی متشکرم که جنابعالی این توجه را بمن دادید و در این مورد مرفوع فرمودید که بعرض میرسانم ، باید کوشش هر چه بیشتر صورت بگیرد که در واقع نفت خام ما بصورت مصنوعات نفتی تبدیل شود و به بازارهای مختلف عرضه شود که در این راه خوشبختانه گامهای بسیار بزرگ برداشته شد و باید گذاری صنایع عظیم پتروشیمی يك گام پیروزی بخش و شایان افتخار است که در این راه برداشته شده و بطور قطع گوشههای وسیعتر و هر چه دقیقتر در این راه کمال اهمیت را دارد حتی یکبار بادم هست گزارشی را مطالعه میکردم که گویند آقای مهندس رزم آرا تهیه کرده بودند از مسائل مربوط به مسائل پتروشیمی در آنجا در حدود ۴۰۰ باب بیشتر کلام معرفی شده بود که همه ماده اولیهائش مربوط به نفت بود و بطور قطع گسترش در این مورد برای ما يك منابع بسیاری را فراهم خواهد کرد که شاید از منابع نفت کمتر نباشد در خصوص این انحصارات دولتی اولاً گوشش صورت میگردد برای اینکه اینها نسبت به بهتر کردن و مناسبتر کردن کالاها و خدمات خودشان فعالیت بیشتر و توجه بیشتری داشته باشند موارد مختلف دارد انحصارهایی که هست انحصار در خانیات ایران با قسمتهای دیگر که اگر کوشش نکنند بسیاری از مشکلاتی که مربوط به این مسائل خواهد شد حل خواهند کرد و مسئله دیگر این هست که چون انحصار در اختیار دولت هست پس بر قیمتی که میخواهند کالاها را بپردازند عرضه نکنند سعی بشود که بطور مناسبتر و چون غالباً این کالاها مصنوعات جهانی

است که مورد نیاز اکثریت مردم هست این بررسی و این دقت بشود که واقفاً با يك قیمت مناسب و عادلانه در اختیار مردم قرار بگیرد اما مسأله بسیار بسیار مهم که در مورد رزقها و شیوههای درآمد بودجه اتخاذ شده قسمت مربوط به درآمد حاصله از خدمات دولت است که در اینجا این بشارت را عرض میکنم که نسبت به بعضی از قسمتها عریض ميسوط و نسبتاً مفصلی خواهم داشت (چند نفر از نمایندگان - بفرمائید) جناب آقای رئیس هم مثل اینکه با يك تنفس چند دقیقه‌ای موافقت نمیکنند.

نایب رئیس - جنابعالی خسته شده اید؟

پزشکپور - در خدمتتان هستم اما در این خصوص نظر همکاران گرامی را بصفحه ۲۲ قسمت سوم از لایحه بودجه یعنی قسمت منضم بودجه جلب میکنم در خصوص بکرفی که از آن زمانی که کسانی این مورد را در نظر گرفتند و همان زمان هم ما احساس عدم رضایت و اندوه بسیار عظیمی از این موضوع کردیم و من واقعاً استدعا دارم که بعد از این توضیحات دولت موافقت بفرمایند بر اینکه این رقم از ستون درآمد برداشته شود این رقمی است که در ردیف ۴۱۰۷ ذکر شده و آن فروش معافیت از خدمت و وظیفه است (صحیح است) خدمت و وظیفه امر مقدسی است فراهم کردن موجبات انجام خدمت و وظیفه برای تمام فرزندان ملت و وظیفه دولت است (صحیح است) یعنی باید این موجبات را فراهم کنند خدمت و وظیفه نباید مانند تخلف از مقررات رانندگی باشد که با باید کسی برود یا اگر نخواهد نرود پول بدهد (ارسنجانی - اگر قانوناً معاف بشود) چنین قانونی نمیبایست باشد اگر معاف شد بدون اینکه پول از او بگیرد معافش کنید در برابر معافیت پول از او نگیرید (بکنفر از نمایندگان - در آینده اینطور نخواهد بود) به آینده کاری ندارم به این بودجه کار دارم این مسأله مربوط بحال نیست و متأسفانه در زمان شرایط آمد که برخی عقیده داشتند این مملکت احتیاجی به ارتش ندارد (نمایندگان غلط کردند) عرض میکنم پس نباید این نکته اینجا باشد این را فکر میکنم همه همکاران با من

هم آهنگ باشند پس هر يك از ما اینکه عرض میکنم بهیچوجه مجامله نیست واقعاً آن زمانی که برای من امکان داشت که نیروم بخدمت و وظیفه ولی بطور داوطلب رفتم خدمت و وظیفه چون این را وظیفه میدانم هر کس عدو این ملت است باید برای مملکتش برای ارتش شایسته ای ایران خدمت بکند (صحیح است) باید يك مدتی در خدمت را بکند تا همیشه آماده باشد برای خدمات بزرگتری اصولاً فلسفه‌اش این است برای چه میرویم خدمت برای این میرویم که دولت احتیاج داشته باشد یعنی فلسفه اش این نیست که يك عده بیایند برای سازمانهاشان کارکنند خدمت و وظیفه در آن مفهوم عمیق خودش عبارت از این است که فرزندان این ملت در سنینی بروند تعلیماتی را ببینند و بسته بسازمان دفاعی مملکت بشوند برای اینکه هنگام مقتضی دوشا دوش هم وظایفشان را انجام دهند چون میدانید کسی که میروید خدمت میکند و بر میگردد دفتر چه پایان خدمت به او میدهند بيك افتخاری میرسد و آن اینست که همواره سرباز و مبارز آماده سازمانهای دفاعی وطن خودش در هنگام لزوم هست من عرض میکنم اولاً دولت چرا و بجه حق این حق را از فرزندان ملت میگردد؟ این يك نوع تجلیل نیست که در آنها بگویند پس شما بسایید خیلی شاکر و سپاسگزار ما باشید چون این تجلیل را از عهده شما برداشتم چون این خدمت را بشما کردیم در قبال آن ما با يك چیزی بدهید این همین است من عرض میکنم انجام خدمت و وظیفه يك موهبتی است که هر فرد ملت دارد اتفاقاً دولتها وظیفه دارند که موجباتی را فراهم کنند برای اینکه فرزندان ملت از این موهبت برخوردار بشوند حال شرایطی هست موجباتی هست که ممکن نیست این حق فرزندان ایران را به آنها داد ولی دیگر نباید که با وضع يك چنین مقرراتی ما اینطور توجه کنیم اینطور فکر کنیم که این يك نوع تکلیف شاقی بوده که چون آنها را معاف کرده ایم يك مبلغی بپردازند این است که این موضوع موضوع حالاً نیست همان سالهاییکه این مسأله مطرح شد ما در همان سالها شدت به این موضوع اعتراض کردیم هر گاه که فرصتی پیدا کردیم این مورد را برآنها بدهیم در این فرصت هست در حضور نمایندگان و هیئت

محترم دولت و امیدوار هستم که به این جهت موافقت بفرمائید این رقمی که بسیار کم هست این را مقایسه بفرمائید با رقمی که از جرائم مأخوذه از تخلفات رانندگی اخذ میشود ملاحظه بفرمائید خیلی کمتر است خواهش میکنم اجتناب ندهید این رقم به این عنوان در صندوق دولت بیاید و همانطور که عرض کردم اگر احیاناً داوطلبان زائد بودند یعنی متأسفانه امکان این نبود که این مرحله از آموزشهای لازم را ببینند یا این مرحله از خدمت را انجام ندهند همینطور آزاد بشوند یعنی معاف بشوند از خدمت در قسمت مربوط به درآمدهای ناشی از خدمات سازمانهای دولتی که بر عنوان درآمدهای ناشی از خدمات اختصاصی آورده شده است بيك مورد بسیار مهم و اساسی دیگری که این مورد اگر که حزب اکثریت بر همین نظر باشند حداقل از موارد اختلاف نظر حزب پان ایرانیست و حزب اکثریت است در آن قبیل مواردی است که متأسفانه این موضوع را ما یکی از آن موارد مهمی میدانیم که بهرحال واقعاً يك انقلاب و تحول اساسی در شیوه و روش کار و با اجازه آقای عباس میرزائی که تشریف ندارند و با خیال راحت میشود گفت سیستم کار این سازمانها و موردی که عرض میکنم خواهد بود و آن عبارت است از ردیف ۴۳۰۶ بصفحه ۳۱ مربوط به هزینه مدارس و حق الثبت و حق ورزش است و این مورد بحث و مورد اختلاف نظر حداقل با این لایحه و با شیوه و طرز کار وزارت آموزش و پرورش نه با شخص جناب آقای دکتر هدایتی این مسئله نحوه آموزش طرز آموزش و يك نوع سیستم تبعیض آمیز طبقاتی است که در طرز آموزش و پرورش کشور بوجود آمده (صحیح است) این یکی از مهمترین مسائلی است که هر گز از کنارش نمیشود گذشت و از مسائلی است که ما دقیقاً در بطن انقلاب شاه و مردم میدانیم و در نتیجه درست جایگاه بحث و بررسیش همین اصول و موازین انقلاب شاه و مردم است یعنی انقلابی که انگیزه ایجاد این انقلاب برای درهم شکستن نظامات منسوخ طبقاتی است این انقلاب از نظر اجتماعی بوجود آمده از لحاظ اینکه بگوید هر فرد ایرانی بطور مساوی از حقوق و امکانات اجتماعی برخوردار هست روشها و اصولی که معارض با این اصل باشد واقعاً نمیتواند يك روشهای انقلابی شناخت با

مالاً يك روشهای معطوف به هدفهای انقلاب شناخت و متأسفانه روش سیستمی که در امر آموزش و پرورش مملکت ایجاد شده و حالا هم که آموزش و پرورش عرض میکنم تنها آن چه نیست که در حوزه وزارت آموزش و پرورش است بلکه منظور از آن ابتدائی ترین مسائلی است که در کستان بگیری تا دبستان تا دبیرستان تا دانشگاه این روشهایی که اتخاذ شده يك روشهایی نیست که دقیقاً هم آنکه با اصول انقلاب باشد روشهایی است که مرور نوعی از نظم طبقاتی بوجود میآورد و حالا دلایل را هم عرض میکنم چي هست؟ روشهایی است که امروز جامعه را بگروههای مختلف تقسیم میکنند و راه ترقی، راه بر خورداری از امکانات را در اختیار گروههای خاص قرار میدهد و متأسفانه چنین روشهایی با چند قسمت اعمال میشود آن قسمتی که عرض کردم قسمتی نیست که من بگویم، قسمتی است که در این بودجه نوشته شده است چون تمام سخن این است که از مردم باید برای اداره بعضی از امورشان و خدماتی که این سازمانها انجام میدهند همانطور که در فصل خدمات آمده ما بزاء در برابر این خدمات و جوهی بدولت و بسازمان مربوط بپردازند اولاً من عرض میکنم خدماتی که اختصاصاً در بعضی از سازمانهای دولتی انجام میدهند که این خدمات مرتبط است بکلی با موجودیت ملی و حقوق ملی این خدمات نمیتواند ما بزاء باشد ملت یکبار در يك مرحله مالیات میبرد و در برابر این خدمات دولت میگذارد دولت وظیفه دارد تمهیداتی را بدهد نظم و تربیتی را بدهد روشهایی در پیش بگیرد که آن خدمات در مقابل ما به ازاء انجام نشود مثل اینکه بگویم بشرطی یاسبان نوی کوچه تان میگذاریم که اهل کوچه چیزی جمع بکنند به سازمان مربوط بدهند اگر این کار را نکنید یاسبان نوی کوچه نمیگذاریم مثل اینکه بگویند زاندار می بشرطی بفلان روستا میرود و نظم را برقرار میکند که اهله و روستا جمع بشوند و چیزی بدهند آقایان این قابل فرض هست؟ آری در چه قسمتی میشود و در چه قسمتی نمیشود، رای دارد راه را نشان میدهم از طریق صحیحی و از گروههایی که برایشان امکان دارد مالیات بگیرند مالیات فرهنگی بگیرد در هر شهری منتهی متناسب با آن

وضع نوی این شهر تهران يك کسی دارای يك خانه در هزار متری است اگر لازم هست ابراد ندارد بگذارد مالیات فرهنگی بپردازد اما يك کسی ندارد نباید از مالیات فرهنگی گرفت برای امر آموزش و پرورش در جایی که اکثریت ندارند که آن مالیات را بدهند راههای دیگر و طریقی دیگر میشود در پیش گرفتن بفرص اینکه ضرورت داشته باشد علی بحال در این مورد چون تالی فاسدش هست با مفهوم مخالفش فوراً دوستان اکثریت میآیند میگویند خیر اینطور نیست چون اگر ده نفر شرکت کنند دانشگاه تهران ۵ تا بورس میدهند چي؟ یعنی اگر شاگرد اول بشود از او شهریه نمیگیرند من عرض میکنم چرا آن کسی که شاگرد اول نمیشود شاگرد بیستم میشود نتواند بدانشگاه برود یعنی این ضابطه است که ما بگذاریم که طبقات کم درآمد وقتی میتوانند بیایند بدانشگاه که فرزندانشان شاگرد اول بشوند و بورسی بگیرند این یعنی يك ضابطه ای که اجازه داده نشده اینها بیایند بنابراین منظور عرض من این بود که اولاً در این رقم ۴۳۰۶ عنایت بفرمائید در برابر بودجه وزارت آموزش و پرورش اینطور که اینجا نوشته شده است تمامی آنچه که از بابت این درآمد اختصاصی یعنی از طریق درآمد شهریه مدارس حق الثبت مدارس حق و ورزش مدارس گرفته میشود سمارت نیست و سه میلیون و پانصد و نود و خوردهای تومان است آنوقت بودجه وزارت آموزش و پرورش را ملاحظه میفرمائید آن رقمی که خواندنش برای من مشکل است البته زیاد حسابم از نظر عدد درست نیست حسابهای دیگر مان درست است جناب آقای خسروانی مثل اینکه بکهزار و پانصد میلیون تومان با کمال خوشوقتی باید بیشتر هم بشود ملاحظه بفرمائید اگر نمیشدید بشهاده خرج داد پیشنهاد میکردیم که این رقم اضافه شود به بودجه آموزش و پرورش و من عقیده دارم این قسمت حذف شود اضافه شود به بودجه وزارت آموزش و پرورش

مر تقوی - ۳۵ درصد اختصاص به امور اجتماعی دارد و ۳۵ درصد اختصاص به امور دفاعی

بزشکپور - چه بسا ممکن است که اگر يك حکومت

بان اینست باشد ۶۰ درصد بودجه را برای امور دفاعی بگذارد

خواجه نوری - آنوقت سوخت مجانی را از کجا میآورید؟

بزشکپور - آنهم راههایی دارد که نشان داده میشود در هنگام لزوم، منظور این بود که این مسئله مطرح نیست که خدای نکرده اعتراض باین بشود که چرا بودجه آموزش و پرورش باین مبلغ است عرض میکنم وقتی ۱۵۰۰ میلیون تومان بودجه آموزش و پرورش است این روانیست که ما بیایم امری را دولت وظیفه دارد موجدات تربیت و آموزش و پرورش فرزندان این ملت را فراهم کند ما با این قیمت کم این وظیفه را ندیده بگیریم و در نتیجه گذشته از اینکه این مبلغ همانطور که عنایت میفرمائید نخواهد توانست و باز با این بودجه وزارت آموزش و پرورش نیازمندی دارد و نخواهد توانست که آن نیازها را مرتفع کند یعنی رقمی نیست مبلغی نیست اما ما بیایم اساس يك کار درست را برهم بریزیم و يك نوعی از طرز کار تبعیض آمیز و مقدمه ای برای يك نوع نظم طبقاتی بوجود بیاوریم (مصطفوی) - این از خانه های ده هزار متری که گفتید وصول میشود نه از فقرا)

آقای مصطفوی مثل اینکه مطالعه فرمودید این شهریه مدارس و حق الثبت و حق ورزش است (مصطفوی) - فقرا معاف هستند (جناب مصطفوی این مسئله بساید در این مملکت ترك بشود مگر اینکه مفاهیم کلمات فارسی طور دیگری باشد این باید ترك بشود هر کس حقتش هست که برود مدرسه نباید گفت فقرا معاف هستند همه باید بروند مدرسه همه در کنار هم در شا درس هم باید بروند و درس بخوانند این سخن باید تمام بشود فقرا معاف هستند چي است؟ (مصطفوی) - شما گفتید از خانه های ده هزار متری مالیات گرفته شود (آن حقتش هست ولی راهش این نیست که بگذاردش آموزش گفت شما فقیر هستید چون فرزند شخص فقیری هستید معاف هستید) با نوتر بیت - تعلیمات ابتدائی در کشور ما بجمدهال برای همه مجانی است (دکتر صدر) - خیر مجانی نیست (دست شمارا ختم میکنیم و بمدارس ملی میبرم که

اگر سالی سه چهار هزار تومان ندهید بجهای شمارا راه نمیدهند تمام دبیرستانهای تهران را بشما نشان میدهم که اگر معلم خوب است آنها برده اند و در نتیجه آنها فقط خوب تحصیل میکنند و در نتیجه آنها هم طبقه حاکمه مملکت خواهند شد و نباید اینطور باشد این يك مسئله اساسی است این نکته را جناب مصطفوی فرمودند اجازه بفرمائید من نظریاتم را در این مورد عرض کنم حقوق ملی حقوقی است که يك فرد ملت دارد هرگز صدقه نیست يك فرد ملت حق دارد بمدرسه برود بحکم ایرانی بودن حق دارد که تمام مدارج علمی را طی کند اگر رفت نباید باو بگویند که چون فقیری تو را معاف میکنیم و حقتش هست این سیستم و این طرز فکر باید پایان پیدا کند هنوز این طرز فکر مربوط به احوار گذشته است انقلاب به مفهوم واقعی برای این بود روح انقلاب را باید درك کرد روح انقلاب را باید گرفت تنها مسئله این نبود که درآمد را از پنج نفر مالک بگیرند مسئله اساسی تر بود و آن این بود که ملت ایران حقوق طبیعی و حق خود را پیدا کند (صحیح است) این بظن ما است یکی از حقوقیکه او دارد حق برخورداری از آموزش و پرورش از ابتدا تا انتها است تا آنجایکه استعداد دارد و البته در این تردید نیست که من این نکته بشدت اعتراض دارم همین مسئله است که مقرراتی پیش بیفته شده که در مدرسه بگردند بیبندگی میگویند بچه فقیر هستیم بگذارید فرزندان ایران را از این قیود گذشته آزاد کنیم بگذارید اوفکر نکنند که بخاطر اینکه بچه فقیر هست باه لطف میکنند فکر کنند آنکه روی میزنشسته حق او است تعلیماتیکه میبند حقتش است درسی که استاد باو میدهد حقتش است این اصول را باید در سطوح مختلف اجتماع ما پیاده کنیم و گرنه نخواهیم توانست این برنامه های بزرگ را اجرا کنیم و باین اصول و هدفهای بزرگ برسیم (صحیح است) بنابراین این در این مورد و این رقم درآمد این رقم ناچیز درآمد در برابر آن بودجه عظیم یکی از آن حلوه هایی است از آن رگه هایی است که ما بعنوان وجود فتودالیزم اداری فتودالیزم از برای نظر مسئولین یعنی نمایان طرز فکر سابق میبینیم اینها باید يك شود، اینها باید زدوده شود

و سازمانهای مختلف مملکتی ما نشان بدهند هماهنگ با اصول انقلاب بطور کلی هستند و این نیست اگر محاسبه بفرمائید این رقم میشود در حدود یک و هفت درصد بودجه آموزش و پرورش برای آموزش و پرورش آریا بهتر نیست که هاروجیه فرزندانمان را و امیدواریهای قلبی آنها را همسانی و یکسانی آنها را بقیمت حذف یک چنین رقم جزئی بخریم و آریا یک چنین مشکلاتیکه مدام مطرح است و اقلام و رقم این بودجه نشان میدهد که چه هزینههایی متحمل شده ایم مشکلات جوانان نیست و آریا یک چنین مسائلی احساس یک چنین تبعیضهایی پایه و اساس یک چنین مشکلاتی نخواهد بود؟ بطور قطع اینطور است من استدعا دارم این رقم را مطالعه بفرمائید با رقمهای دیگر در همین بودجه که در واقع برای حل مشکلات جوانان هست من عرض میکنم مسائلی از این قبیل این مشکلات را ایجاد میکنند شما این را حذف کنید آن مشکلات ایجاد نخواهد شد (صحیح است) من خودم بخاطرم هست و همه آقایان بخاطرشان هست آن وقتیکه میرفتیم بدبستان تا قبل از اینکه به این کیفیت مدارس پولی گردد این مدارس دولتی که واقعا آریا بدها و کانونهای افتخار آمیزی بود که بدست رضاشاه کبیر بنیاد گذاشته شد (صحیح است) این اندیشه بود که مطلقاً وقتی بچههای ایران میآیند زیر آن سقفها هیچکس احساس اختلاف نسبت بدریگری نکند این اندیشه بود که وقتی میآیند زیر آن سقفها حتی لباسشان یکطور و از یک کارخانه باشد این برای چی بود این برای این بود که همه یکطور احساس بیوند نسبت با این وطن پیدا کنند این برای این بود که همه یکطور بهم دست دوستی و برادری و محبت بدهند این برای این بود که همه یکطور فکر کنند بابک لباس بابک او نیفورم بابک طرز فکر در نتیجه برای یک آینده واحد حرکت کنند اما حالا بدیهی است طرز فکر فرزندان آن کسیکه میتواند سالی چهار هزار پنج هزار تومان بپردازد و بابک دبستان ملی برود با طرز فکر فرزندان آن کارگری که چنین امکانی را ندارد و بزحمت میتواند برود بمدرسه و با اگر برود نصفه روزه است و با اگر بمدرسه خاصی برود طرز فکر این دو گروه با هم هماهنگ نخواهد شد پس پایه این اختلاف را از حال وجود میآوریم و هر چه بمدارج بالاتر

بروند این اختلاف را حس میکنند و این البته طرز ایجاد یک جامعه متحد و متشکل نخواهد بود شما وقتی یک ساختمان میخواهید بروی هم بگذارید آجرهای یک اندازه پیدا میکنید که روی هم بگذارید تا ساختمان برود بالا برای یک جامعه باید افرادی را پیدا کرد که هم اندازه باشند بکار و فکر کنند و پرورش بدهند و از این مربوط به نسل آینده است دولت با اینکه در خانه من پاسبان میگذازد فقط از خانه من دفاع میکند با وجود این ما با آریا نمیگیریم دولتی آموزش و پرورش دفاع از نسلهای آینده است دفاع از موجودیت آینده است از تمامی ملت ایران است پس وظیفه دارد که این وظیفه را بنحو احسن و بطور یکسان و هماهنگ انجام بدهد و بطور یکسان و هماهنگ یکی از مشکلات دیگر آقایان چیست دوسه ماه از سال آموزشگاهها گرفتار بپای شهریه را دارند (صحیح است) دو سه ماه از سال این گرفتاریهایی که بودجه های دیگر را برایشان در نظر میگیرید ملاحظه بفرمائید رقم کمی را که بودجه میکند بدانشکدهها که حالا در این هم بحث هست آنوقت رقمی که از خدمات اختصاصی میگیرید دانشکده پزشکی بوجه همین بودجه بودجه ۷۰۶ میلیون ریال است میدانید از بابات حق ورودیه و شهریه که این مشکلات عظیم را ایجاد میکنند چقدر میگیرد ملاحظه بفرمائید ۳۳ میلیون ریال این درست است که بخاطر ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بله آقای دکتر کازم زاده دقیقاً همینطور است چون این رقمش کم بود بخاطرم هست آریا سزاوار است که ما بخاطر سه میلیون و سیصد هزار تومان دانشگاهی را که باید همانطور که عرض کردم درش بروی جوانان این مملکت باز باشد دکتر تر تو اعظم آقای پزشکیور این عددی که فرمودید قسمت اعظمش مربوط به درمان است آقای دکتر یزنی تو اعظم من دو رقم اینجا دیده یکی نوشته است بودجه دانشکده پزشکی ۷۰۶ میلیون ریال یکی نوشته در آمد اختصاصی دانشکده پزشکی ۳۳ میلیون ریال من عرض میکنم در برابر این ۷۰۶ میلیون ریال که بخوبی میدانید هیچ نوع ضابطه ای هم ندارد و در اختیار

دولت هم قرار نمیگیرد آخر این چه رقمی است که بخواهد اساس تبعیض آمیز و مشکلات بزرگ ایجاد کند چرا قبل از اینکه از دانشجویان سؤال بکنیم چرا نباید از این متصدیان دانشگاه بپرسیم این چه روشی است داداشتی برای من رسیده است که آقای صاحب نوشته اند که فرزندان کارگران در صورتیکه در کشور دانشگاه قبول بشوند مخارج تحصیل طرف بیمه های اجتماعی پرداخت میشود بکار بیمه های اجتماعی در خور تحسین است و عرض ما این است که این باید جنبه عمومیت پیدا کند یعنی باید فرزند کارگر و پیشه ور و برزگر هر فرزندی از ملت ایران تواند به همین کیفیت در دانشگاه برود این بهر حال از نظر حداقل سازمان بیمه های اجتماعی خوب به این مشکل توجه کرده بودند چه بهتر این نشان میدهد آنچه را که من عرض میکنم واقعا یکی از مشکلات و مسائل ملی ما است منتی حرف من این است که ما باید آن سیستم را ایجاد کنیم که از این مسئله اجتماعی از این حمایت اجتماعی همه فرزندان ایران برخوردار باشند علی اجمال دانشکده پزشکی همانطور که ملاحظه فرمودید ۷۰۶ میلیون ریال بودجه است و درآمد اختصاصی که شامل شهریه به حق ورودیه و از این قبیل مسائل است ۳۳ میلیون و من عرض میکنم مثل اینکه ما برای جوانان حتی در این بودجه رقم هائی بیش از این پذیرفته ایم برای اینکه واقعا آنها را هر چه بیشتر امیدوار کنیم آنها را هر چه بیشتر بیک گوشش اجتماعی بکشانیم آنها را هر چه بیشتر بعدالت اجتماعی آشنا کنیم رقم های بیشتری در نظر گرفته شده آیا بهتر نیست این گام را در خود دانشگاه برداریم آیا بهتر نیست این امر مهم را از خود دانشگاه انجام بدهیم آیا بهتر نیست که این افتخار برای ملت ایران باشد که در دوران انقلاب اجتماعی ایران تحصیلات را در هر سطحی و خاصه در دانشگاه مجانی اعلام کنیم و همه فرزندان ایران بتوانند پای در دانشگاه بگذارند آیا آفت بهتر نیست که این لطف را بکنید که اگر کسی نمیتوانست این پول را بدهد هزاران تحقیق بکنید که آیا ممکن است با نهیم چیزی است یا نه چیزی او را فقرا و با که هیچ گناهی هم ندارد برخ او بکشیم اینهاست

که عرض میکنم باید ما یک اندیشه آرمان خواهی مسائل را بررسی کرد تا اینکه ما از قید آن سنتهای کهنه آزاد بشویم و متکی بر سنتها و هدفهای انقلاب حرکت کنیم چون این موضوع دانشکده ها مسئله بسیار مهمی است و از مهمترین مسائل ماست و آری چیزی را که عرض میکنم بعنوان یکی از راه حل های ماست یعنی اگر شما از من سؤال کنید که یکی از راه حل های را که در نظر میگیری برای آن تحریک لازم آن توجه لازم در قشر های جوان و دانشجویی وجود باید نظرت چیست میگویم از این ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بگذرید و این حتی از نظر اقتصادی بنبف دستگاہ های دولتی است چون در موارد دیگر بخاطر جلوگیری از تالی فاسد آن نباید متحمل یک هزینه هائی بشوید الا اینکه ما روحیه جوانان را آنطور که باید هماهنگ کرده ایم آنطور که باید معتقد کرده ایم آنطور که باید مؤمن کرده ایم و خانواده ها را شفافتر کنید الا آن همین نامه ای را که آقای صاحب دادند یک خانواده کارگری که زحمت میکشند هیچ میرسد به امیدی فرزندش را کلاس بیکلاس موفق بشود اگر وقتی میآید و در دانشگاه موفق میشود این سازمان بیمه های اجتماعی اینطور که میگویند حمایت نمیکرد (حیدر صائی - به امر شاهنشاه است) (عباس میرزائی - و این همه آوازاها از شه بود) بدیهی است همه این امور به امر شاهنشاه است در این نزدیکی نیست منظور این است اگر این نکته نبود آنوقت فکر کنید ببینیم آن خانواده کارگر چه احساس میکرد وقتی میدید فرزند مستعدش نمیتواند برود دانشگاه آن کارگر الان احساس شرمندگی آن مقررات را نمیکند چون بصورت حقیقی است که بیمه های اجتماعی میدهند اگر نبود فرزندش مجبور بود بمقامات دانشکده مراجعه کند استشهاد تهیه کند که من کارگر زاده هستم و چون کارگر زاده ام پول ندارم من میخواهم ببینم چه احساسی میکرد و این احساس چه هماهنگی میتواند ایجاد کند و آن کسیکه این استشهاد را تهیه نکرده پول داده آمده روی صندلی دانشکده نشسته این احساس را نباید بگذاریم ایجاد شود من عرض میکنم اینها این نوع احساس را میکشند و ما شمش را

میگذاریم احساسهای طبقاتی دنیا اسمش را همین میگذارند یعنی يك طبقه ای حس میکند که پول داشته توانسته رفته روی صندلی دانشکده نشسته است يك گروهی حس میکنند پول نداشتند و ناچار شده آمده التماس کرده بعنوان غیر متمکن به او اجازه داده اند من يك چنین حالت را ضد انقلابی میدانم این ضد انقلابی است و این باید از سازمانهای ما جوامع ما بدور برود يك عنايتی هم بفرمائید بودجه دانشگاه تهران دانشکده پزشکی بقرايي که در این بودجه آمده بودجه اش جداست دانشگاه تهران که من حيث المجموع دانشکده های دیگر را در بر دارد ۷۳۸ میلیون ریال بودجه برای دانشگاه تهران با این همه کوشش و طبل و دادو قال از بابات شهر به او آن قبیل مسائل چی میگيريد ۷۶۶ میلیون ریال اینهم باز در بودجه است و شما جقدر درباره دانشگاه تهران شنیده اید و مشکلات آن اینجا مجلس شورای ملی است من يك مقداری این طرز کار را مؤثر میدانم این طرز کار و طرز کارهایی از این قبیل یعنی وقتی روحیه اینطور بود که فکر کنید که خوب این دانشجو که میآید باید پول بدهد تا قدر تحصیل را بداند و این از عیب ترين منطقی است که تا اکنون شنیده ایم میگوئیم چرا پول نمیگیرید میگویند آقا پول بدهند قدر تحصیل را میدانند این چه منطقی است این است که يك چنین مایه ازائی که در قبال خدمات و بعنوان درآمد اختصاصی گرفته میشود این اولاً معارض است باوظائفی که این مؤسسات در مقابل ملت بعهده دارند بهیچ وجه وظیفه و اهمیت دانشگاه در برابر يك ملت آنهم يك ملتی که در حال تحول و حرکت و در گرگونی و توسعه سمت قدرت است فرض کنید از يك قسمت از سازمانهای انتظامی ما کمتر نیست بهیچ وجه کمتر نیست و این نباید نسبت بوظائف خودش به این کیفیت عمل کند که نتواند اجرا بکند این وظایف را ما مسئله ای دیگر که من در افلام این بودجه به آن برخورد کردم اینکه بطور کلی يك روش تبعیض آمیز و يك روش دقیق طبقاتی بود نسبت به افراد دانشجویان و گروههای مختلف ولی بموجب آن افلام من يك نوع روش تبعیض آمیز نسبت به دانشکده های مختلف دیدم که حالا شاید توضیحات نمابند کان

محترم دولت بتواند در این خصوص روشن بسکند وطن محاسبه ای که شده است در این مورد از بابات بودجه ها با من حیث المجموع درآمدی که برای دانشکده های مختلف در نظر گرفته شده است هزینه سرانه برای هر دانشجو برای دانشکده های مختلف فرق کرده فرض بفرمائید در دانشگاه تهران البته این رقم دقیق نیست بعنوان مثال عرض میکنم فرض بفرمائید شده است ۲ هزار تومان (نخست وزیر - خیلی زیادتر است) چون رقم در خاطر من نبود بطور مثال عرض کردم ولی در دانشکده های دیگر شده است ۵ هزار تومان و این اختلاف را در دانشکده های مختلف بخوبی احساس میکنم و من میدانم این اختلاف هزینه سرانه که برای هر دانشجو پیش بینی شده آیا مآلاً بموجب ایجاد روش های جداگانه آموزشی معیار آموزشی نخواهد بود یعنی يك دانشکده ای از يك امکانات بیشتر استاذان بهتر برخوردار خواهد بود و يك دانشکده ای از این امکانات محروم نخواهد بود این يك تبعیضی است که از نظر دانشکده های مختلف از نظر کانون های آموزش مختلف در این بودجه مشهود است که هیچ يك چنین تبعیضی جایز نیست یعنی باید آموزش عالی ملاز هر رشته در يك سطح معین بابر خورده ای از يك امکانات معین و يك نوع حمایت های معین صورت بگیرد والا اگر سواي این باشد برود سبب خواهد شد همینطور که يك موفقی مرسوم بر این بود که فرض بفرمائید تخصیص کرده های مثلاً دانشگاه فلان کشور خارجی از برای خودشان يك نوع اعتبار خاصی قائل بودند و يك گروه خاصی هم تشکیل میدادند و کوشش میکردند که يك نوع حکومت خاص هم بوجود بیاورند این برود سبب خواهد شد که در واقع فارغ التحصیلان بعضی از دانشگاهها نسبت به بعضی دانشگاههای دیگر برای خود يك نوع امتیازات خاصی در نظر بگیرند و بانگای این امتیازات خاصی کوشش کنند که برای خود يك نوع تسلط حکومت خاصی هم بوجود بیاورند بنابراین این قسمت هم کمالاتی که در تمام کانون های آموزش و در هر مرحله این نظر را ماداریم باید سعی در مجاهدت صورت بگیرد و برای اینکه همه در يك سطح باشند نه اینکه اختلافات و تبعیضات بسیار بین آنها وجود

دیده باشد بنابراین در خصوص این بحث مسوط در باره آموزش و پرورش بطور کلی باید کوشش ها و برنامه ها بر ما بگذارد کذار بهای ملی معطوف باین امر باشد که امر آموزش و پرورش در تمام مراحل از کود کستان تا دبستان در دبستان تا دانشگاه یکسان و مجانی باشد (صحیح است) البته ممکن است این امر بنظر عده ای يك امر مشکل و بعدی بیاورد بدیهی است امری است مشکل ولی در اصول لزوم زندگی ماست (مهندس روحانی - بفرمائید که برق هم مجانی شود) خوب با آن برنامه های وسیع که دیدم جنابعالی دارید حقاً باید در بسیاری از موارد برق را مجانی بدهند ولی این امکانات برای وزارت آب و برق ایجاد میشود و این يك امر تازه ای نیست که عنوان بشه دموونه ها و موارد بسیار میتوان پیدا کرد که امروز همین کیفیت فدا میشود این هست و يك امر آزمایش شده ای است بولا سالها خود ما این آزمایش را داشتیم اگر دو سه مؤسسه خصوصی هم وجود داشت آن دو مؤسسه خصوصی را امروز تبدیل کردند بمؤسسات عمومی و دولتی و من میدانم ممکن است بگوئید چون همزمان حجم و واحد کوچک بود اما معلوم نیست اگر بر همان روش و سیاق گسترش پیدا میکرد مانواچه با اشکالاتی میشدیم دلایلی هم که عرض کردم همین است این دانشگاه بهمین کیفیت سالهای بسیار شهریه نمیگرفت یعنی دولت میپرداخت همینطور که الآن دولت میپردازد من میدانم این آقا باینکه این تز ازوم اخذ شهریه را عنوان کردند چه گلی سه ش دولت زدند اینکاش همینطور بود یعنی من اگر در این بودجه میدیدم که يك رقم بزرگی از درآمدهای اختصاصی است خوب آدم منطقیان را میباید رفت ولی نیست و چنین منطقی دیده نمیشود و وجود ندارد چنین منطقی به انواع مختلف از طریق درآمد های عمومی بانحای مختلف دولت با از طریق درآمد عمومی با بودجه برنامه های مابهر حال دولت از خزانه ملت است که تمام هزینه های آنها را تأمین میکنند اگر در مقابل این رقم هفتاد و شش میلیون تومان حداقل يك رقمی مایه ای تومان نشان میدادند میآیند استدلال را میباید رفتیم فرض مجال اعجاب اینکه سالها گذشته است و

در این راه هم کوشش کرده اند امروز بودجه ای را که دولت تقدیم مجلس شورای ملی کرده ما میبینیم مطلقاً از موفقیت این اصل و این نظر هیچ نوع اثری در بودجه نیست من میدانم چه جای بحث است یعنی حالا هم همینطور است حالا هم از همان مشکلات هست اگر احیاناً اعلام کنید مجانی است حالا هم همان مشکلات هست اگر احیاناً اعلام کنید مجانی است حالا هم همان مشکلات هست و مآلاً چه خواهد شد، این خواهد شد که دیگر آقای دکتر کاظم زاده در بودجه ای که تنظیم میفرمایند دیگر آن ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان را میگذارند در جزء بودجه عمومی آن ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان دانشگاه تهران را هم من حيث المجموع بگذارند در اختیار وزارت آموزش و پرورش پس حالا هم همان مشکل است یعنی همان سنگینی بار بدوش دولت هست همان سنگینی بار بدوش خزانه مملکت هست همان تعهدات مالی را دولت دارد الا غیر از این است که از يك طریق غیر اصولی باید اقدام میشود و این طریق غیر اصولی برای دولت ایجاد مشکلات مالی بعدی را میکند

نایب رئیس - جناب آقای بزشکپور از بیانات شما خیلی باقیمانده است ؟
بزشکپور - اگر اجازه بفرمائید مطالب زیادی باقی مانده است

نایب رئیس - اجازه بفرمائید که دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه بجلسه بعد از ظهر موکول شود

۳ - تصویب صورت جلسه

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه قبل نظری نیست ؟ آقای مؤید امینی
مؤید امینی - بنده تذکری داشتم باینکه مربوط به صورت جلسه نیست ولی چون شایان توجه و فوری است و هیئت محترم دولت هم در جلسه تشریف دارند لازم دانستم بعرض برسانم این مطلب مربوط به جناب است که در سرزمین رودزیا بدست بان اسمیت روی داده و آنجا سه نفر سیاه پوست را بدار کشیده اند این حادثه مورد از جار همه دنیاست و چون ملت ایران همیشه خواهان اجرای حکم تبعیض نژادی و مخالف هر نوع خونریزی و ظلم و ستم و اعمال خلاف قانون انسانی است از آقای نخست وزیر

۴ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - با اجازه خانمها و آقایان جلسه را ختم
 میکنیم جلسه آینده ساعت سه بعد از ظهر امروز مؤکول
 میشود دستور دنباله بحث در لایحه بودجه سال ۱۳۴۷
 کل کشور است

(یکساعت و ده دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - مهندس حیدرعلی ارفع

خواهش میکنم که در این مورد مطالبی بفرمایند و از طرف
 ملت ایران نسبت به این عمل خلاف انسانی ابراز انزجار
 شدید بشود.

نایب رئیس - مطالبی که فرمودید مریوط به صورت

جلسه نبود، در صورت جلسه نظری نیست؟ (اظهاری نشد)

صورت جلسه قبل تصویب میشود.